

گاج

از مجموعه کتاب‌های خط ویژه



زبان انگلیسی

۰۲۱ ۶۴۲۰

اطلاع‌رسانی
و فروش

gaj_ir

gaj.ir

www.gaj.ir

املا و واژگان بخش اول و دوم

بخش اول سوال‌های امتحان نهایی مربوط به املا است. ۴ نمره

در بخش املا، ۸ جمله داده می‌شود که در هر جمله، دو کلمه‌ی آن ناقص است (یک یا دو حرف از کلمه حذف شده است). و باید این ۱۶ کلمه‌ی ناقص را به طور کامل بازنویسی کنید. توجه داشته باشید که حذف حرف‌ها طبق ۴ قاعده‌ی زیر می‌باشد و تصادفی نیست:

۱ در کلمه‌ای که دو حرف یکسان پشت سر هم دارد، معمولاً حرف اول، دوم یا هر دو حرف حذف می‌شود. مانند **struggle**

خرداد ۹۳، ۹۱، ۸۲ دی ۹۰، شهریور ۸۸، ۸۵ / stru_ gle strug_ le stru_ _ le

۲ حرف یا حروفی که در کلمه تلفظ نمی‌شوند، معمولاً حذف می‌شوند. مانند **eyesight**

خرداد ۸۹، ۸۶، ۸۱ / eyesi_ ht eyesig_ t eyesi_ _ t

۳ حرف یا حروفی که به صورت دیگری تلفظ می‌شوند، معمولاً حذف می‌شوند. مانند **future**

خرداد ۸۸، ۸۱ شهریور ۸۶ / fu_ ure fut_ re fu_ _ re

۴ حرف یا حروف صدادار (a - e - i - o - u) معمولاً حذف می‌شوند. مانند **average**

شهریور ۸۶، ۸۳، ۸۱ / av_ rage aver_ ge averag_ _

توجه: در لیست واژگان هر درس، حرف یا حروفی از کلمه که معمولاً با توجه به ۴ قاعده‌ی بالا حذف می‌شوند با رنگ قرمز مشخص شده‌اند.

بنابراین با توجه به توضیحات بالا، موقع تمرین املا، باید تمام توجه و تمرکزتان بر روی حروفی باشد که قرار است حذف شوند. به عبارتی هدفمند تمرین کنید و موقع تمرین املا به چندین بار نوشتن هر کلمه اکتفا نکنید.

نکته: برای پاسخ دادن به سؤال‌های املا نیازی به خواندن جمله نیست، مگر این که کلمه‌ی ناقص با کلمه‌ی دیگری مشابه باشد یا بدون خواندن جمله نتوانید کلمه‌ی ناقص را حدس بزنید که در این صورت باید جمله را بخوانید و با توجه به معنی، کلمه‌ی ناقص را بازنویسی کنید.

بخش دوم سوال‌های امتحان نهایی مربوط به ۱۰ نمره

واژگان است که شامل سه قسمت است.

۱ جایگزین کردن لغات در جملات (۴ نمره)

در این قسمت باید با استفاده از ۹ کلمه‌ی داده شده که یک کلمه‌ی آن اضافی است، ۸ جمله را کامل کنید.

۲ یافتن واژه‌های مناسب به منظور تکمیل جملات ناقص با استفاده از دانش زبانی خود (۳ نمره)

در این قسمت باید با استفاده از اطلاعات و دانش واژگانی خود ۶ جمله را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

۳ تشخیص اجزای کلام (اسم، فعل، صفت و قید) از طریق بافت (۳ نمره)

در این قسمت ۶ جمله داده می‌شود و باید شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

توجه: برای پاسخ دادن به سؤال‌های قسمت سوم باید در ابتدا اسم، صفت، قید و فعل و شکل صحیح آن‌ها را بشناسید و سپس بدانید که جای خالی سؤال، مربوط به کدام یک از این‌ها است. به عبارتی باید نوع کلمه و جایگاه آن در جمله را بلد باشید. برای یادگیری بهتر، توضیحات شش درس با هم در این جا آموزش داده شده تا بتوانید آن‌ها را با هم مقایسه کنید.

• درس اول در مورد تبدیل اسم به صفت است. با اضافه کردن (ful) یا (y) به برخی اسم‌ها، می‌توان آن‌ها را به صفت تبدیل کرد.

صفت → ful / y + اسم

باران	rain → rainy	بارانی
خورشید	sun → sunny	آفتابی، آفتابگیر
آب	water → watery	آبکی
ابر	cloud → cloudy	ابری
برف	snow → snowy	برفی
دقت	care → careful	بادقت، مراقب
رنگ	color → colorful	رنگی، رنگارنگ
نیرو	power → powerful	قوی، قدرتمند
تعجب	wonder → wonderful	حیرت‌انگیز، تعجب‌آور
مضر، زیان	harm → harmful	مضر، زیان‌آور

• درس دوم در مورد تبدیل صفت به قید است. با اضافه کردن (ly) به صفات، می‌توان آن‌ها را به قید تبدیل کرد.

قید → ly + صفت

به کندی، به آهستگی	slow → slowly	کند، آهسته
تند، به سرعت	quick → quickly	تند، سریع
به سرعت	rapid → rapidly	سریع
صادقانه	honest → honestly	صادق، درستکار
با عصبانیت	angry → angrily	عصبانی
درست، به طور صحیح	correct → correctly	درست، صحیح
با خوشحالی	happy → happily	خوشحال
سرانجام، بالاخره	final → finally	نهایی
واقعاً	real → really	واقعی
به آسانی، به راحتی	easy → easily	آسان، راحت
به روشنی	bright → brightly	روشن، درخشان
با موفقیت	successful → successfully	موفق
اخیراً	recent → recently	اخیر
به سنگینی	heavy → heavily	سنگین

• درس سوم در مورد تبدیل فعل به اسم است. برخی افعال را می‌توان با اضافه کردن (ence / ance / (a)tion) به اسم تبدیل کرد.

اسم → ence / ance / (a)tion + فعل

وجود، هستی	exist → existence	وجود داشتن
راهنمایی	guide → guidance	راهنمایی کردن
اختراع	invent → invention	اختراع کردن
مهاجرت	migrate → migration	مهاجرت کردن
دعوت	invite → invitation	دعوت کردن
اطلاعات	inform → information	اطلاع دادن
آموزش	educate → education	آموزش دادن
توضیح	explain → explanation	توضیح دادن

نکته: اکنون که با اسم، صفت، قید و فعل‌های شش درس آشنا شدید، باید جایگاه آن‌ها در جمله را یاد بگیرید تا بتوانید به سؤال شکل صحیح کلمات پاسخ دهید.

جایگاه اسم در جمله

۱ بعد از حروف تعریف (a, an, the)

Everyone believes that **the invention** of telephone is wonderful.
اسم حرف تعریف

همه اعتقاد دارند که اختراع تلفن شگفت‌انگیز است. /خرداد ۹۱/

۲ بعد از صفات ملکی (my, your, his, her, its, our, their)

Your explanation helped me to understand the lesson better.

اسم صفت ملکی

توضیح شما به من کمک کرد تا درس را بهتر بفهمم. /خرداد ۹۳/

۳ بعد از s مالکیت (s)

Parents play an important role in their children's **education**.

اسم s مالکیت

والدین نقش مهمی در تربیت فرزندان‌شان ایفا می‌کنند. /خرداد ۹۰/

۴ بعد از حروف اضافه (of, on, in, from, its, our, their)

The government spent a lot of money **on education**.

اسم حرف اضافه

دولت پول زیادی را صرف آموزش کرد.

۵ بعد از صفات کمی (some, few, little, a lot of, many, much, any, no)

Do you have **any information** about train times?

اسم صفت کمی

آیا هیچ اطلاعاتی در مورد ساعات (حرکت) قطار دارید؟

۶ بعد از صفت

Telephone is a **wonderful invention**.

اسم صفت

تلفن اختراع شگفت‌انگیزی است. /خرداد ۹۰/

۷ بعد از فعل

Your teacher can **give** you **guidance** on choosing a job.

اسم فعل

معلم شما می‌تواند در انتخاب شغل، شما را راهنمایی کند. /خرداد ۹۰/

جایگاه صفت در جمله

۱ قبل از اسم

He likes to go out in a **rainy evening** like this.

اسم صفت

او دوست دارد در چنین غروب بارانی بیرون برود. /شهریور ۹۳/

۲ بعد از افعال ربطی

to be (am, is, are, was, were)	بودن
become, get, grow	شدن
look, seem, appear	به نظر رسیدن
smell	بوی ... دادن
taste	مزه‌ی ... داشتن
feel	احساسی ... کردن، بودن

• درس چهارم در مورد تبدیل صفت به اسم است.

اسم → صفت

عرض	wide → width	عریض، پهن
طول	long → length	دراز، طولانی
عمق	deep → depth	عمیق
ارتفاع	high → height	بلند
گرما	hot → heat	گرم

• درس پنجم در مورد صفت فاعلی و صفت مفعولی است.

صفت فاعلی

سرگرم‌کننده	amusing
گیج‌کننده	confusing
کسل‌کننده	boring
جالب	interesting
هیجان‌انگیز	exciting
تعجب‌آور، شگفت‌انگیز	surprising
تکان‌دهنده، هولناک	shocking
ترسناک	frightening

صفت مفعولی

سرگرم	amused
گیج	confused
کسل	bored
علاقه‌مند	interested
هیجان‌زده	excited
متعجب، شگفت‌زده	surprised
شوکه	shocked
ترسیده	frightened

نکته: صفت فاعلی غالباً برای توصیف غیرانسان و صفت مفعولی برای توصیف جاندار (انسان و حیوان) به کار می‌رود:

They were **amused** by looking at the old photographs.

صفت مفعولی انسان

آن‌ها با نگاه کردن به عکس‌های قدیمی سرگرم بودند. /دی ۸۶/

He turned off the TV because **the film** was not **amusing**.

صفت فاعلی غیر انسان

او تلویزیون را خاموش کرد چون فیلم سرگرم‌کننده نبود. /شهریور ۸۸/

• درس ششم نیز مانند درس اول در مورد تبدیل اسم به صفت است. همچنین با اضافه کردن (ness) به برخی صفات، می‌توان آن‌ها را به اسم تبدیل کرد.

صفت → ful + اسم

مفید	use → useful	استفاده، فایده
مراقب، بادقت، بااحتیاط	care → careful	دقت، مراقبت

اسم → ness + صفت

خوشحالی	happy → happiness	خوشحال
---------	-------------------	--------

۲ قیده‌های really و finally معمولاً قبل از فعل اصلی می‌آیند.

I could **finally finish** my university project.

فعل اصلی قید

بالاخره توانستم پروژه‌ی دانشگاهی‌ام را تمام کنم. /شهریور ۹۳/

What do you **really think** about it?

فعل اصلی قید

واقعاً در مورد آن چه فکر می‌کنید؟ /شهریور ۸۸/

۳ recently زمان وقوع فعل را نشان می‌دهد و در ابتدا، انتهای جمله یا قبل از

فعل اصلی می‌آید و در زمان ماضی نقلی معمولاً به صورت زیر به‌کار می‌رود:

(قسمت سوم فعل + recently + have / has)

I **haven't seen** them **recently**. اخیراً آن‌ها را ندیده‌ام.

فعل اصلی قید

The manager **has recently decided** to employ some workers.

فعل اصلی قید

مدیر اخیراً تصمیم گرفته است تعدادی کارگر استخدام کند. /خرداد ۹۲/

جایگاه فعل در جمله

۱ بعد از فاعل و قیده‌های تکرار (always, usually, sometimes, often, never):

They don't believe that **water exists** on other planets.

فعل فاعل

آن‌ها اعتقاد ندارند که در سیارات دیگر آب وجود دارد. /خرداد ۹۴/

۲ بعد از افعال کمکی (don't, doesn't, didn't, has, have, had, can, could, may, must, should, has to, have to, had to)

He should find someone who **can guide** him through the forest.

فعل فعل کمکی

او باید کسی را پیدا کند که بتواند او را از میان جنگل راهنمایی کند. /خرداد ۹۳/

This map **was** very **useful** on my holidays.

to be فعل صفت

/دی ۹۲/

این نقشه در تعطیلاتم خیلی مفید بود.

توجه: فعل‌های بالا چنانچه به همین معنی باشند، فعل ربطی به حساب

می‌آیند و بعد از آن‌ها صفت می‌آید. در غیر این صورت فعل ربطی نیستند و بعد

از آن‌ها قید حالت می‌آید. برای مثال، فعل look چنانچه به معنی (نگاه کردن)

باشد، فعل اصلی است و بعد از آن قید حالت می‌آید و چنانچه به معنی (به نظر

رسیدن) باشد، فعل ربطی است و بعد از آن صفت می‌آید.

My brother **looked angry**.

صفت فعل ربطی

برادرم عصبانی به نظر می‌رسید.

My brother **looked** at me **angrily**.

قید حالت فعل اصلی

برادرم با عصبانیت به من نگاه کرد.

در این مثال قید حالت angrily درباره‌ی حالت و چگونگی فعل نگاه کردن

توضیح می‌دهد. توجه داشته باشید که مانند این مثال ممکن است قید حالت

بلافاصله بعد از فعل اصلی نیاید و مفعول بین آن‌ها فاصله بیندازد.

۳ بعد از How

How wide is the table that you made last week?

صفت

/شهریور ۹۰/

عرض میزی که هفته‌ی گذشته درست کردید چقدر است؟

جایگاه قید در جمله

۱ قید حالت درباره‌ی حالت و چگونگی انجام فعل توضیح می‌دهد و بعد از فعل

اصلی به کار می‌رود. I didn't go out because it **was raining heavily**.

قید حالت فعل اصلی

/خرداد ۹۳/

من بیرون نرفتم چون به شدت داشت باران می‌بارید.

واژگان جدید درس اول + املا

lesson one

algebra /'ældʒəbrə/ n

جبر

case /keɪs/ n

مورد

allow /ə'laʊ/ v

۱- اجازه دادن ۲- امکان دادن

certain /'sɜːtn \$ 'sɜːr-/ adj

۱- معین، مشخص ۲- مطمئن

among /ə'mɒŋ/ prep

در بین، در میان

channel /'tʃænl/ n

[تلویزیون] کانال، شبکه

at the end of

در پایان

chemistry /'keməstri, 'kɛmstri/ n

شیمی

at the end

سرانجام، بالاخره

choice /tʃɔɪs/ n

۱- انتخاب ۲- حق انتخاب

at the front

در جبهه، در خط مقدم

choose /tʃuːz/ v

انتخاب کردن

average /'ævərɪdʒ, 'ævɪ-/ adj, n

۱- متوسط، معمولی ۲- میانگین، معدل

colorful /'kɒləfəl \$ -ləɪ-/ adj

رنگارنگ، رنگین

be careful about

مواظب ... بودن، مراقب ... بودن

continue /kən'tɪnjuː/ v

ادامه دادن، ادامه یافتن

be interested in

علاقه‌مند بودن به، علاقه داشتن به

daily /'deɪli/ adj

روزانه، روزمره

behave /br'heɪv/ v

رفتار کردن

effect /ɪ'fekt/ n

اثر، تأثیر

biology /baɪ'ɒlədʒi \$ -'ɑːl-/ n

زیست‌شناسی

end /end/ v, n

۱- پایان دادن به ۲- پایان ۳- هدف

except /ɪk'sept/ conj, prep (به) جزء، (به) غیر از

experiment /ɪk'spɛrɪmənt/ n, v ۱- آزمایش ۲- آزمایش کردن

eyesight /'aɪsaɪt/ n بینایی

future /'fju:tʃə \$ -ər/ n, adj ۱- آینده ۲- آینده، بعد

geometry /dʒi'ɒmɪtri \$ 'ɑ:m-/ n هندسه

get sb away from کسی را از... دور کردن

harmful /'hɑ:mfəl \$ 'hɑ:rm-/ adj مضر، زیان‌آور

holiday /'hɒlɪdeɪ \$ 'hɑ:lədeɪ/ n ۱- تعطیلی، روز تعطیل ۲- تعطیلات

housewife /'hauswaɪf/ n (زن) خانه‌دار، خانم خانه‌دار

how often /hau 'ɒfən, 'ɒftən \$ 'ɑ:f-/ adv

چندوقت به چندوقت، هر چندوقت یک بار

husband /'hʌzbənd/ n شوهر، همسر

improve /ɪm'pru:v/ v ۱- بهتر کردن، بهبود بخشیدن ۲- افزایش دادن

influence /'ɪnfluəns/ v, n

۱- تحت تأثیر قرار دادن، اثر گذاشتن بر ۲- اثر، تأثیر

math /mæθ/ n ریاضی

movie /'mu:vi/ n (سینما) فیلم

music /'mju:zɪk/ n موسیقی

observation /,ɒbzə'veɪʃən \$,ɑ:bzə-/ n مشاهده

once /wʌns/ adv ۱- یک بار، یک دفعه ۲- یک وقتی

out at work بیرون سرکار، بیرون در محل کار

period /'pɪəriəd \$ 'pɪr-/ n مدت، دوره

physical education ورزش، تربیت بدنی

physics /'fɪzɪks/ n فیزیک

powerful /'paʊəfəl \$ 'paʊr-/ adj قوی، قدرتمند

practice /'præktɪs/ n, v ۱- تمرین ۲- تمرین کردن

pressure /'preʃə \$ -ər -ər/ n فشار

probably /'prɒbəbli \$ 'pra:z-/ adv احتمالاً، شاید

recent /'ri:sənt/ adj اخیر

recently /'ri:səntli/ adv اخیراً

۱- استراحت کردن ۲- آرام شدن، آسودن **relax** /rɪ'læks/ v

آرام، آسوده **relaxed** /rɪ'lækst/ adj

۱- تحقیق ۲- تحقیق کردن **research** /ri'sɜ:tʃ \$ -ɜ:r-/ n, v

محقق، پژوهشگر **researcher** /ri'sɜ:tʃə \$ tʃə/ n

۱- تک، منفرد ۲- مجرد **single** /'sɪŋɡəl/ adj, n

مهارت **skill** /skɪl/ n

ورزش **sport** /spɔ:t \$ spɔ:rt/ n

ماندن، اقامت کردن **stay** /steɪ/ v

۱- نزاع، دعوا ۲- نزاع کردن **struggle** /'strʌɡəl/ n, v

موفقیت‌آمیز، موفق **successful** /sək'sesfəl/ adj

باموفقیت **successfully** /sək'sesfəli/ adv

امتحان دادن **take a test**

دستگاه تلویزیون **television set** /'teləvɪʒən set/ n

تئاتر **theater** /'θiətə \$ -ər/ n

الهیات، دینی **theology** /θi'ɒlədʒi \$ θi'ɑ:z-/ n

۱- دو بار ۲- دو برابر **twice** /twɑ:z/ adv

۱- نوع ۲- تایپ کردن **type** /taɪp/ n, v

دانشگاه **university** /ju:nɪ'vɜ:səti \$ -ɜ:r-/ n

۱- عجیب ۲- غیر عادی **unusual** /ʌn'ju:ʒuəl, -ʒəl/ adj

بیننده **viewer** /'vjʊə \$ -ər/ n

ضعیف **weak** /wi:k/ adj

۱- حیرت‌انگیز، تعجب‌آور ۲- عالی **wonderful** /'wʌndəfəl \$ -də/ adj

نگران، ناراحت **worried** /'wɒrɪd \$ 'wɜ:rid/ adj

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری چند سال اخیر

سؤال ۱ کلمات ناقص را به‌طور کامل بازنویسی کنید. (با توجه به توضیحات بالا، از آوردن جمله‌ها خودداری شده است.)

1. ef_ect , chan_els , press_re , re_ently , exper_ement , cert_in , pra_ti_e / هماهنگ کشوری
2. gro_p , s_it_ble , the_ters , wor_ied , su__essfully , am_ng , cho__e / هماهنگ کشوری
3. s_ngle , vie_ers , he_lth , f_ture , r_sear_hers , peri_d , infl_en_e / هماهنگ کشوری

سؤال ۲ با استفاده از کلمات داده‌شده جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

except - effect - experiment - skill - influence - eyesight - struggle - allow - recently

4. She could improve her reading after she finished that book last summer. / ادی ۹۲
5. He is very impolite. I think his friends couldn't him. / شهریور ۹۱
6. I have returned from the trip and I am still feeling tired. / ادی ۹۱
7. The supermarket is open every day Friday. / شهریور ۹۱
8. The teacher didn't the students to open the books during the test. / ادی ۹۰
9. They are doing a(n) to find out the reason for the illness. / خرداد ۸۹
10. Talking on the phone for a long time has a bad on your ears. / خرداد ۸۹
11. When her sisters on TV programs, she turns off the TV. / خرداد ۸۸

سؤال ۳ جمله‌های زیر را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

12. The of 3, 7 and 8 is 6. / شهریور ۹۳
13. I usually watch football matches on three. / ادی ۹۲
14. Some people are very rich. Some are very poor. A large number are / شهریور ۹۱
15. Researchers did a(n) to see the effect of this drug. / ادی ۹۱
16. They forced me to make a between my family and my job. / ادی ۹۰
17. Watching too much TV may have a bad on children's eyesight. / خرداد ۸۷

سؤال ۴ شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

18. We are not able to see the stars in this sky. (cloud) / شهریور ۹۲
19. She has watched TV for a long time. Her eyes are red and (water) / ادی ۹۲
20. The first time that he met his friend was a day. (sun) / ادی ۹۱
21. He is a person, so he can help you to move the table. (power) / شهریور ۹۰
22. Eating too much chocolate is to your health. (harm) / خرداد ۸۹
23. He is a great writer. His new story is really (wonder) / شهریور ۸۹

واژگان جدید درس دوم + املا

Lesson two

as soon as	به محض این‌که	modern /'mɒdn \$ 'mɑ:dərn/ adj	جدید، نو، مدرن
ashamed /ə'feɪmd/ adj	شرمنده	nation /'neɪʃən/ n	۱- ملت ۲- کشور
blind /blaɪnd/ adj	نابینا، کور	on time	به موقع، سر وقت (در زمان مقرر)
clerk /klə:k \$ klɜ:rk/ n	۱- متصدی پذیرش ۲- کارمند ۳- منشی	passenger /'pæsəndʒə \$ -ər/ n	مسافر
dangerous /'deɪndʒərəs/ adj	خطرناک	perfect /'pɜ:fekt \$ 'pɜ:r-/ adj	۱- کامل ۲- عالی، ایده‌آل
degree /dɪ'ɡri: / n	مدرک (دانشگاهی)، درجه	possible /'pɒsɪbəl \$ 'pɑ:z-/ adj	امکان‌پذیر، ممکن
discussion /dɪ'skʌʃən/ n	بحث، گفتگو	prefer /prɪ'fɜ: \$ -'fɜ:r/ v	ترجیح دادن
dislike /dɪs'lʌk/ v	دوست نداشتن، بدش آمدن از	produce /prə'dju:s \$ -'dʊ:s/ v	تولیدکردن، ساختن
driving test /'draɪvɪŋ test/ n	امتحان رانندگی	purpose /'pɜ:pəs \$ 'pɜ:r-/ n	هدف، قصد، منظور
educate /'edʒuketɪd \$ 'edʒə-/ v	آموزش دادن، تعلیم دادن	rapidly /'ræpɪdli/ adv	به سرعت، سریع
educated /'edʒuketɪd \$ 'edʒə-/ adj	تحصیل‌کرده	realize /'ri:əlaɪz/ v	متوجه شدن، پی بردن، فهمیدن
education /,edʒu'keɪʃən \$,edʒə-/ n	آموزش، تحصیلات	refuse /rɪ'fju:z/ v	امتناع کردن، خودداری کردن، رد کردن
end /end/ n, v	۱- هدف ۲- پایان ۳- پایان دادن (به)	role /rəʊl \$ rou/ n	نقش
examine /ɪg'zæmɪn/ v	۱- بررسی کردن ۲- معاینه کردن	rubbish /'rʌbɪʃ/ n	آشغال، زباله
fact /fækt/ n	واقعیت، حقیقت	service /'sɜ:vɪs \$ 'sɜ:r-/ n	خدمت، کار
fashionable /'fæʃənəbəl/ adj	مُد، رایج، مرسوم	show /ʃəʊ \$ ʃoʊ/ n	۱- نمایش ۲- (رادیو و غیره) برنامه
fill /fɪl/ v	۱- [شغل] به عهده گرفتن ۲- پر کردن	silly /'sɪli/ adj	احمقانه، احمق
final /'faɪnl/ adj	پایانی، نهایی، آخر	society /sə'saɪəti/ n	جامعه
fit /fɪt/ v	۱- آماده کردن ۲- [لباس] اندازه بودن، اندازه‌ی ... بودن	stupid /'stju:pɪd \$ 'stu:z-/ adj	۱- کودن، کند ذهن ۲- احمقانه، احمق
flight /flaɪt/ n	پرواز	such /sʌtʃ/ adj	چنین، چنان
forbid /fə'brɪd \$ fə-r-/ v	ممنوع کردن، منع کردن	take away (from) /teɪk ə'weɪ/ phr v	(ببرون) بردن، دور کردن
free /fri: / adj	۱- رایگان، مجانی ۲- آزاد	useful /'ju:sfəl/ adj	مفید، سودمند
goal /gəʊl \$ goʊl/ n	هدف	value /'vælju: / n	ارزش، اهمیت
government /'gʌvəmənt, 'gʌvənmənt \$ 'gʌvərn-/ n	دولت	what time is the film on?	فیلم چه ساعتی شروع می‌شود؟
honest /'ɒnəst \$ 'ɑ:n-/ adj	صادق، راستگو	whether /'weðə \$ -ər/ conj	که آیا، آیا
however /haʊ'evə \$ -ər/ adv	با وجود این، با این حال	whether ... or ... /'weðə \$ -ər/ conj	خواه ... خواه ... چه ... چه ...
impossible /ɪm'pɒsɪbəl \$ ɪm'pɑ:z-/ adj	غیرممکن		
in fact /ɪn 'fækt/ adv	در واقع		
in other words	به عبارتی دیگر		
insist (on) /ɪn'sɪst/ v	اصرار کردن (بر)، اصرار داشتن (بر)		
lie /lai/ v (lying)	۱- دروغ گفتن ۲- دراز کشیدن، خوابیدن		
mark /mɑ:k \$ mɑ:rk/ n	۱- علامت، نشانه ۲- نمره		

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری چند سال اخیر

سؤال ۱ کلمات ناقص را به‌طور کامل بازنویسی کنید.

24. r_f_se , univer_ity , p_rp_se , degr_e , pr_du_e , c_re , as__med / هماهنگ کشوری /
25. alr__dy , g_ver_ment , re_l_zed , en_u_h , prep_re , l_ing , r_b_ish / هماهنگ کشوری /
26. co_ntry , fash__n_ble , soc__ty , s_st_m , si_ly , na_ion , ed__ation / هماهنگ کشوری /

سؤال ۲ با استفاده از کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

education - refused - examined - ashamed - value - purpose - end - fashionable - society

27. The government pays much attention to the of education in our society. / شهریور ۹۳ /
28. Nowadays it is becoming to have Tablets instead of Laptops. / ادی ۹۲ /
29. The system of our at schools needs some changes. / شهریور ۹۲ /
30. The doctor him but could find nothing wrong. / ادی ۹۱ /
31. They are going to do research into the roles of men and women in today's / شهریور ۹۰ /
32. Getting rich seems to be his only in life. / ادی ۹۰ /
33. I decided to wash the car alone because he to help me. / خرداد ۸۹ /
34. The of education is to prepare children for life. / خرداد ۸۸ /

سؤال ۳ جمله‌های زیر را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

35. The of education in some countries is not suitable. / ادی ۹۲ /
36. I think helping poor people is his in life. / ادی ۹۱ /
37. This student is slow to learn and understand. He is a/an student. / شهریور ۹۱ /
38. A lot of people have university and refuse to do low work. / خرداد ۸۹ /
39. I have got a degree in physics from Tehran / خرداد ۸۸ /
40. Students should be of doing silly things in the classroom. / ادی ۸۶ /

سؤال ۴ شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

41. I'm glad that Jim has found a job in a business company (real) / ادی ۹۴ /
42. My mother has returned from Europe. (recent) / ادی ۹۳ /
43. They try to employ people in their factory. (honest) / ادی ۹۳ /
44. He answered all the questions (honest) / شهریور ۹۲ /
45. A good swimmer can usually swim the length of pool (easy) / ادی ۹۱ /
46. She believes she has found true happiness. (final) / شهریور ۹۱ /

واژگان جدید درس سوم + املا

Lesson Three

ability /ə'brɪlɪti/ n	توانایی	mental /'mentl/ adj	روانی، ذهنی
afraid /ə'freɪd/ adj	ترسیده	mind /maɪnd/ n, v	۱- ذهن، فکر ۲- ناراحت شدن (از)
be afraid of	از... ترسیدن	mistake /mɪ'steɪk/ n, v	۱- اشتباه ۲- اشتباه کردن
amount /ə'maʊnt/ n	مقدار، میزان	object /'ɒbdʒɪkt \$ 'a:b-/ n	۱- شیء، چیز ۲- موضوع
area /'eəriə \$ 'eriə/ n	منطقه، ناحیه	occur /ə'kɜ: \$ ə'kɜ:r/ v	رخ دادن، اتفاق افتادن
basis /'beɪsɪs/ n	اساس، مبنا، پایه	overlearning /əʊvə'lɜ:nɪŋ \$ ɔʊvə'lɜ:r-/ n	یادگیری از طریق تکرار
brain /breɪn/ n	مغز	pace /peɪs/ n	۱- سرعت ۲- قدم، گام
brief /brɪ:f/ adj	کوتاه، مختصر	painful /'peɪnfəl/ adj	دردناک، ناراحت‌کننده
briefly /'brɪ:flɪ/ adv	۱- برای مدت کوتاهی، اندکی ۲- به طور خلاصه	photographic /'fəʊtə'græfɪk \$ 'fou-/ adj	
call up /kɔ:l 'ʌp \$ ka:l/ phr v	تلفن کردن به		۱- [حافظه] تصویری، خیلی خوب ۲- (مربوط به) عکاسی
chemical /'kemɪkəl/ adj, n	۱- شیمیایی ۲- ماده‌ی شیمیایی	physical /'fɪzɪkəl/ adj	جسمی، بدنی
conscious /'kɒnʃəs \$ 'ka:n-/ adj	هشیار، آگاه	poem /'pəʊəm \$ 'pou-/ n	شعر
dead /ded/ adj	مرده	psychologist /saɪ'kɒlədʒɪst \$ '-ka:=-/ n	روانشناس
detail /'di:teɪl \$ drɪ'teɪl/ n	جزء، (در جمع) جزئیات	question /'kwɛstʃən/ v	۱- زیر سؤال بردن ۲- سؤال کردن
emotional /ɪ'məʊʃənəl \$ r'mou-/ adj	عاطفی، احساساتی	recall /rɪ'kɔ:l \$ 'ri:kɑ:l/ v	به یاد آوردن، به خاطر آوردن
enter /'entə \$ =ər/ v	۱- وارد... شدن ۲- وارد شدن، داخل شدن	record /rɪ'kɔ:d \$ =ɔ:rd/ v /'rekɔ:d \$ =ərd/ n, v	
even /'i:vən/ adj, adv	۱- یکنواخت ۲- حتی		۱- ثابت ۲- (ورزش) رکورد ۳- ضبط کردن، ثبت کردن
event /ɪ'vent/ n	حادثه، رویداد، واقعه	responsible /rɪ'spɒnsɪbəl \$ rɪ'spɑ:n-/ adj	مسئول
exist /ɪg'zɪst/ v	وجود داشتن	scene /si:n/ n	۱- صحنه ۲- منظره
feeling /'fi:lɪŋ/ n	احساس، (در جمع) احساسات	search /sɜ:tʃ \$ sɜ:rtʃ/ v, n	۱- جستجو کردن، گشتن ۲- جستجو
foreigner /'fɔ:rənə \$ 'fɔ:rənər, 'fa:=-/ n	(فرد) خارجی	search for	در جستجوی... بودن، دنبال... گشتن
forest /'fɒrɪst \$ 'fɔ:=-, 'fa:=-/ n	جنگل	shopkeeper /'ʃɒp,ki:pə \$ 'ʃɑ:p,ki:pər/ n	مغازه‌دار
hear /hɪə \$ hɪr/ v	شنیدن، مطلع شدن از	slow down /sləʊ'daʊn \$ slou-/ phr v	
hobby /'hɒbi \$ 'hɑ:=-/ n	سرگرمی		۱- سرعت... کم شدن ۲- سرعت... را کم کردن
information /,ɪnfə'meɪʃən \$ -fər-/ n	اطلاعات	sorry /'sɒri \$ 'sɑ:ri, 'sɔ:ri/	ببخشید، معذرت می‌خواهم
interest /'ɪntrəst/ n	علاقه	stick /stɪk/ v	۱- ماندن ۲- چسبیدن، چسبانیدن
jet /dʒet/ n	(هواپیمای) جت	stick in one's mind	در ذهن کسی ماندن، ملکه‌ی ذهن کسی شدن
look after /lʊk 'ɑ:ftə \$ 'æftər/ phr v	مراقبت کردن از	thus /ðʌs/ adv	بنابراین، در نتیجه
loss /lɒs \$ la:s/ n	۱- از دست دادن ۲- لطمه، ضرر، زیان		[تلوویزیون و غیره] صدای... را بلند کردن
memory /'meməri/ n	۱- حافظه ۲- خاطره، یاد	turn up /tɜ:n 'ʌp \$ tɜ:rn/ phr v	
		weekend /wi:k'end \$ 'wi:kend/ n	تعطیلات آخر هفته، آخر هفته

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری چند سال اخیر

سؤال ۱ کلمات ناقص را به‌طور کامل بازنویسی کنید.

47. det _il , fore _ _ner , b _li _ve , s _ene , amo _nt , sti _k , ch _mic _l / هماهنگ کشوری /
48. f _ _ling , emo _ional , ab _l _ty , br _ _n , d _ta _l , are _s , photogra _ _ic / هماهنگ کشوری /
49. p _ _nful , p _y _ical , br _ _fly , m _nd , m _nt _l , oc _ _r , ps _c _ologist / هماهنگ کشوری /

سؤال ۲ با استفاده از کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

stick - memory - detail - mental - briefly - painful - record - occur - chemical

50. I hurt my finger in an accident. It's very now. / ادی ۹۳ /
51. I am afraid I have a weak, it is better to write down your address. / شهریور ۹۱ /
52. Psychologists have been searching for the basis of memory. / شهریور ۹۰ /
53. Solving puzzles is a very good activity for young children. / شهریور ۸۹ /
54. If you don't repeat new words several times, they won't in your mind. / ادی ۸۹ /
55. She looked at my drawing and said it wasn't good at all. / خرداد ۸۹ /
56. "When did that car accident"? "I think last night." / خرداد ۸۸ /
57. Can you tell me about the film in? I need some more information. / ادی ۸۸ /

سؤال ۳ جمله‌های زیر را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

58. The brain can record a large amount of / شهریور ۹۳ /
59. It's an activity that you like to do when you aren't working. It's your / ادی ۹۲ /
60. Her name is very difficult. It doesn't in my mind. / ادی ۹۱ /
61. Ferdowsi wrote a lot of in Shahnameh. / ادی ۹۱ /
62. I am a/an I study the way people's minds work. / ادی ۹۰ /
63. I have read this story several times, so I can remember all the about it. / شهریور ۸۹ /

سؤال ۴ شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

64. I didn't accept his because I had to study for the exam. (invite) / ادی ۹۴ /
65. She couldn't how this machine works properly. (explain) / شهریور ۹۳ /
66. The police discovered that no one has in the accident scene. (exist) / ادی ۹۲ /
67. Many things about birds' are still a mystery for us. (migrate) / ادی ۹۱ /
68. He gave a good about his new project. (explain) / ادی ۹۰ /
69. A lot of people believe in the of life on other planets. (exist) / شهریور ۸۹ /

واژگان جدید درس چهارم + املا

Lesson four

and so on	و غیره	hold /həʊld \$ hoʊld/ v	۱- برگزار کردن ۲- نگه داشتن
athlete /'æθli:t/ n	ورزشکار	ice hockey /'aɪs hɒki \$ hɑ:ki/ n	هاکی روی یخ
attract /ə'trækt/ v	جلب کردن، جذب کردن	immediately /ɪ'mi:diətli/ adv	فوراً، بلافاصله
award /ə'wɔ:d \$ -ɔ:rd/ v, n	۱- اعطا کردن، دادن ۲- جایزه	include /ɪn'klu:d/ v	۱- شامل ... بودن ۲- گنجانیدن
basically /'beɪsɪkli/ adv	اساساً، در اصل	individual /ɪndɪ'vɪdʒuəl/ n	فرد، شخص
bathroom /'bɑ:θrʊm, -ru:m \$ 'bæθ-/ n		instruction /ɪn'strʌkʃən/ n	
	۱- حمام ۲- (در آمریکا) دستشویی		۱- (در جمع) دستورالعمل، توصیه ۲- آموزش، تعلیم ۳- دستور
bottom /'bɒtəm \$ 'bɑ:-/ n	کف، ته	international /,ɪntə'næʃənəl \$ -tər-/ adj	بین‌المللی، جهانی
boxing /'bɒksɪŋ \$ 'bɑ:k-/ n	بوکس، مشت‌زنی	lake /leɪk/ n	دریاچه
bronze /brɒnz \$ brɑ:nz/ n	برنز	length /leŋθ/ n	طول، درازا
celebration /,selə'breɪʃən/ n	جشن	measure /'meʒə \$ -ər/ v	اندازه‌گیری کردن ... را گرفتن، اندازه‌گیری کردن
committee /kə'mɪti/ n	کمیته، هیئت	medal /'medl/ n	مدال
competition /,kɒmpə'tɪʃən \$,kɑ:m-/ n	۱- مسابقه ۲- رقابت	meeting /'mi:tiŋ/ n	جلسه
consist of /kən'sɪst əv \$ a:v/ phr v	شامل ... بودن، تشکیل شدن از	Olympia /ə'ɒlɪpiə/ n	المپیا (منطقه‌ای در یونان)
control /kən'trəʊl \$ -'trɔ:l/ v	کنترل کردن، اداره کردن، نظارت کردن بر	Olympic /ə'ɒlɪpɪk/ adj	(مربوط به) المپیک
cover /'kʌvə \$ -ər/ v	پوشاندن، پوشیدن	operate /'ɒpəreɪt \$ 'ɑ:p-/ v	
			۱- به کار انداختن ۲- [دستگاه] کار کردن، عمل کردن
cycle /'saɪkl/ v	۱- با دوچرخه رفتن ۲- دوچرخه سواری کردن	organize /'ɔ:gənəɪz \$ 'dɔ:r-/ v	سازمان‌دهی کردن
Denmark /'denmɑ:k \$ -mɑ:rk/ n	دانمارک	pair /peə \$ per/ n	جفت، زوج
depth /depθ/ n	عمق	permit /pə'mɪt \$ pər-/ v	اجازه دادن به
encourage /ɪn'kʌrɪdʒ \$ ɪn'kɜ:r-/ v	تشویق کردن، ترغیب کردن	place /pleɪs/ v, n	۱- قرار دادن، گذاشتن ۲- مقام، جا، مکان
envelope /'envələʊp \$ -lɔ:p/ n	[نامه] پاکت	plain /pleɪn/ n	دشت، جلگه
force /fɔ:s \$ fɔ:rs/ v	مجبور کردن، وادار کردن	play a part in	نقش داشتن در، سهیم بودن در
fortune /'fɔ:tʃən \$ 'fɔ:r-/ n	۱- شانس، بخت ۲- ثروت، مال	religious /rɪ'lɪdʒəs/ adj	مذهبی، دینی
friendship /'frendʃɪp/ n	دوستی، رابطه‌ی دوستانه	serious /'sɪəriəs \$ 'sɪr-/ adj	جدی
Greece /gri:s/ n	یونان	shelf /ʃelf/ n	۱- قفسه ۲- طاقچه، رف
gymnastics /dʒɪm'næstɪks/ n	ژیمناستیک	silently /'saɪləntli/ adv	ساکت، آرام، به آرامی
heat /hi:t/ n	گرما، حرارت	silver /'sɪlvə \$ -ər/ n	نقره
height /haɪt/ n	بلندی، ارتفاع	site /saɪt/ n	محل، جا

skating /'skeɪtɪŋ/ n	اسکیت	track and field	دو و میدانی
skiing /'ski:ɪŋ/ n	اسکی، اسکی بازی	weekly /'wi:kli/ adj	هفتگی
snow-covered /'snəʊ kʌvəd \$ 'snəʊ -ərd / adj	پوشیده از برف	width /wɪðθ/ n	عرض، پهنا
so far /səʊ fa: \$ sou fa:r/ adv	تاکنون	win /wɪn/ v	۱- [جایزه و غیره] بردن ۲- برنده شدن
take part (in)	شرکت کردن (در)	winner /'wɪnə \$ -ər/ n	برنده
team /ti:m/ n	تیم، گروه	wrestle /'resəl/ v	کشتی گرفتن
the Olympics	بازی‌های المپیک، مسابقات المپیک	wrestler /'reslə \$ -ər/ n	کشتی‌گیر
together /tə'geðə \$ -ər/ adv	با هم، با یکدیگر	wrestling /'reslɪŋ/ n	کشتی

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری چند سال اخیر

سؤال ۱ کلمات ناقص را به‌طور کامل بازنویسی کنید.

70. at _ract , com _it _ee , rec __ve , w __ner , basi _al _y , c _nsist , incl _de / هماهنگ کشوری /
71. at _l _te , g _mnastics , religi __s , at _ra _t , cel _br _tion , fo _low , n _t _on / هماهنگ کشوری /
72. for __ne , wr _s _ling , org _nize , aw _rd , c _mpet _tion , ho _k _y , sec _nd / هماهنگ کشوری /

سؤال ۲ با استفاده از کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

attract - wrestling - celebration - instructions - basically - include - take part - hold - immediately

73. I usually go to my friend's birthday / ادی ۹۴ /
74. Leave the room You must not be here. / شهریور ۹۳ /
75. Football matches usually a lot of young people. / ادی ۹۳ /
76. "Do you know how to work with this computer?" "No, let's read the before using it." / ادی ۹۲ /
77. They a birthday party for their son every summer. / ادی ۹۱ /
78. The school games football, volleyball and gymnastics. / ادی ۹۰ /
79. Ali didn't in the discussion because he didn't know much about chemistry. / ادی ۸۹ /
80. My friend won a gold medal in in the last competition. / خرداد ۸۸ /

سؤال ۳ جمله‌های زیر را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

81. A person who is good at running, jumping or wrestling is called a/an / ادی ۹۴ /
82. Teams or individuals who place second, receive a medal. / ادی ۹۳ /
83. Who controls and organizes the Olympic? / شهریور ۹۲ /
84. I don't like sports. I usually take part in the team ones. / ادی ۹۲ /
85. They want to give a(n) medal to the first-place winner. / شهریور ۹۰ /
86. The sport of moving your body through the water is called / خرداد ۸۸ /

سؤال ۳ شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

87. How do you measure the of a mountain? (high) شهریور ۹۳ /
88. The of the water here is over three meters. (deep) ادی ۹۲ /
89. He usually tells us a story whenever we are his guests. (long) ادی ۹۱ /
90. How is the table that you made last week? (wide) ادی ۹۰ /
91. The weather is nice here; however, summers get really (hot) ادی ۹۰ /
92. Don't swim in this river. It is very (deep) شهریور ۸۹ /

واژگان جدید درس پنجم + املا

lesson five

after a while	بعد از مدتی	hard-working /hɑ:d 'wɜ:kɪŋ \$ ha:rd 'wɜ:r- / adj	سخت‌کوش، پُرتکار
amused /ə'mju:zd/ adj	سرگرم	How do you do?	سلام! روز بخیر!
amusing /ə'mju:zɪŋ/ adj	سرگرم‌کننده	What do you do?	چه کاره‌ای؟، شغلت چیه؟
behind /br'haɪnd/ prep, adv	۱- پشت، عقب ۲- پشت سر	instead /ɪn'sted/ adv	به جای آن، در عوض
bored /bɔ:d \$ bɔ:rd/ adj	کسل، خسته	instead of /ɪnstəd əv/ prep	به جای، در عوض
boring /'bɔ:ɪŋ/ adj	کسل‌کننده، خسته‌کننده	invent /ɪn'vent/ v	۱- اختراع کردن ۲- از خود در آوردن، سرهم کردن
call out /kɔ:l 'aʊt \$ ka:l- / phr v		invention /ɪn'venʃən/ n	اختراع
	۱- فریاد زدن، داد زدن ۲- [پزشک و غیره] صدا کردن	involve /ɪn'vɒlv \$ ɪn'vɑ:lv/ v	
carpet /'kɑ:pət \$ 'kɑ:r- / n	فرش، قالی		۱- شامل شدن، مستلزم بودن ۲- درگیر کردن
company /'kʌmpəni/ n	شرکت	keep account	حسابداری کردن
confused /kən'fju:zd/ adj	گیج	long ago	مدت‌ها قبل
confusing /kən'fju:zɪŋ/ adj	گیج‌کننده	make up /meɪk 'ʌp/ phr v	تشکیل دادن
cotton /'kɒtn \$ 'kɑ:tn/ n	۱- نخ، پنبه‌ای ۲- نخ، پنبه	manage /'mænɪdʒ/ v	۱- اداره کردن ۲- موفق شدن
Egypt /'i:dʒɪpt/ n	مصر	meal /mi:l/ n	۱- وعده‌ی غذا ۲- غذا
excited /ɪk'saɪtəd/ adj	هیجان‌زده	Moslem /'mɒzləm \$ 'mɑ:z- / n (Muslim)	مسلمان
exciting /ɪk'saɪtɪŋ/ adj	هیجان‌انگیز	papyrus /pə'paɪrəs/ n	پاپیروس
far apart	خیلی دور از هم	report /rɪ'pɔ:t \$ -ɔ:rt/ n	گزارش
fast /fɑ:st \$ fæst/ v, n, adv, adj	۱- روزه گرفتن ۲- روزه ۳- سریع	result /rɪ'zʌlt/ n	نتیجه
fear /frə \$ frɪ/ n, v	۱- ترس ۲- ترسیدن (از)	sheet /ʃi:t/ n	۱- [کاغذ] ورق، برگ ۲- ورقه
frightened /'fraɪtnd/ adj	ترسیده، وحشت‌زده	shocked /ʃɒkt \$ 'fɑ:kt/ adj	شوکه، حیرت‌زده
frightening /'fraɪtɪŋ/ adj	ترسناک، وحشتناک	shocking /'ʃɒkɪŋ \$ 'fɑ:k- / adj	تکان‌دهنده، هولناک
habit /'hæbɪt/ n	عادت	shout /ʃaʊt/ v	فریاد زدن، فریاد کشیدن

1- بوی ... دادن ۲- بوییدن، بو کردن ۳- بو smell /smel/ v, n

مانند، از قبیل، مثل such as /sʌtʃ əz, æz/ prep

متعجب، شگفت‌زده، حیرت‌زده surprised /sə'praɪzd \$ sər-/ adj

تعجب‌آور، شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز surprising /sə'praɪzɪŋ \$ sər-/ adj

1- مزه‌ی ... داشتن، طعم ... داشتن ۲- چشیدن taste /teɪst/ v

بالا و پایین up and down / adv

هر وقت (که)، هر موقع (که) whenever /wen'evə \$ -'evər/ adv

سیم wire /waɪə \$ waɪr/ n

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری چند سال اخیر

سؤال ۱ کلمات ناقص را به‌طور کامل بازنویسی کنید.

93. inst _ _ d , puz _ le , sh _ et , fri _ ht _ ned , hab _ t , pi _ k up , w _ re / هماهنگ کشوری

94. b _ h _ nd , ex _ ited , sti _ l , im _ ediatly , j - mp , se _ ret , vo _ ce / هماهنگ کشوری

95. afr _ _ d , pap _ rus , sh _ ut , forg _ t _ en , m _ al , w _ ile , heal _ h / هماهنگ کشوری

سؤال ۲ با استفاده از کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

surprised - far apart - instead of - meal - sheet - fast - shout - involves - amused

96. You don't have to I can hear you well. / ادی ۹۴

97. Reza and his brother live in different countries. They live / ادی ۹۴

98. Most people from the time they go to bed until they get up in the morning. / شهریور ۹۳

99. We just had soup a full meal. / ادی ۹۳

100. He needs a of paper to write the report on. / ادی ۹۳

101. What time would you like to eat your evening? / شهریور ۹۲

102. The teacher his students in learning. / ادی ۹۱

103. I'm really that he remembered my phone number. He had a bad memory. / خرداد ۸۹

سؤال ۳ جمله‌های زیر را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

104. We still say "hello" when we pick up the / ادی ۹۴

105. Long ago in Egypt, men made sheets of paper from / ادی ۹۲

106. Rasht is in the North and Kerman is in the South. In fact they are / شهریور ۹۱

107. A person who follows the religion of Islam is called a / ادی ۹۱

108. Graham Bell's wonderful was telephone. / شهریور ۹۰

109. I need a sheet of to write a letter. / خرداد ۸۸

سؤال ۴ شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

110. Everyone was that he passed the examination. (shock) / شهریور ۹۱

111. The coffee made here usually tastes very (nice) / ادی ۸۹

112. He turned off the TV because the film was not (amuse) / شهریور ۸۸

113. I am with doing the same thing every day. (bore) / خرداد ۸۸

114. He is very in taking part in social activities. (interest) / ادی ۸۸

115. Mr Amini doesn't seem happy. I think his job is (bore) / خرداد ۸۶

واژگان جدید درس ششم + املا

lesson six

action /'ækʃən/ n عمل، اقدام	orbit /'ɔ:bat, 'ɔ:bit \$ 'ɔ:r-/ v, n ۱- به دور ... چرخیدن ۲- مدار
activity /æk'trɪvɪti/ n فعالیت	otherwise /'lðəwaɪz \$ 'lðər-/ adv وگرنه، در غیر این صورت
airline /'eəlaɪn \$ 'er-/ n خط هوایی، شرکت هواپیمایی	perform /pə'fɔ:m \$ pə'fɔ:rm/ v ۱- انجام دادن ۲- [دستگاه] کار کردن
aspect /'æspekt/ n جنبه، لحاظ	pilot /'paɪlət/ n خلبان
available /ə'veɪləbəl/ adj موجود، در دسترس	planet /'plænət/ n سیاره
block /blɒk \$ bla:k/ n [ساختمان و غیره] دستگاه، بلوک، ردیف	pocket-sized /'pɒkət saɪzd \$ 'pa:z-/ adj جیبی، کوچک
by means of از طریق، به وسیله‌ی	process /'prəuses \$ 'pra:z-/ v ۱- (کامپیوتر) پردازش کردن ۲- بررسی کردن
capacity /kə'pæsɪti/ n ۱- توانایی ۲- گنجایش، ظرفیت	programmable /'prəʊgræməbəl \$ 'prou-/ adj قابل برنامه‌ریزی
central /'sentrəl/ adj مرکزی	project /'prɒdʒekt \$ 'pra:z-/ n پروژه، طرح
chemist /'kemɪst/ n ۱- شیمیدان ۲- داروساز	properly /'prɒpəli \$ 'pra:pərlɪ/ adv ۱- به طور کامل، کاملاً ۲- درست
come in ۱- وارد شدن ۲- (به بازار) آمدن	research /rɪ'sɜ:tʃ \$ -ʒ:r-/ n, v ۱- تحقیق ۲- تحقیق کردن
constantly /'kɒnstəntli \$ 'ka:n-/ adv مدام، پیوسته، همیشه	right-hand /'raɪt hænd/ adj راست، سمت راست
deny /dɪ'naɪ/ v انکار کردن، نپذیرفتن	right-hand side سمت راست
design /dɪ'zaɪn/ v, n ۱- طراحی کردن ۲- طرح، طراحی	separate /'sepəreɪt, 'sepr-/ v جدا کردن، تقسیم کردن
designer /dɪ'zaɪnə \$ -ər/ n طراح	separate /'sepəreɪt, 'seprət/ adj جدا، جداگانه
disabled /dɪs'eɪbəld/ adj معلول	series /'sɪəri:z \$ 'sɪr-/ n سری، مجموعه
drug /drʌg/ n دارو	spacecraft /'speɪskrɑ:ft \$ -kræft/ n فضاپیما، سفینه‌ی فضایی
endeavor /ɪn'devə \$ -ər/ n, v ۱- تلاش، سعی ۲- تلاش کردن، سعی کردن	straight /streɪt/ adj, adv مستقیم، راست، صاف
entertainment /,entə'teɪnmənt \$ -tər-/ n سرگرمی، تفریح	success /sək'ses/ n موفقیت، پیروزی
exactly /ɪg'zæktli/ adv دقیقاً	superhuman /,su:pə'hju:mən \$ -pər'hju:z-/ adj فوق بشری
field /fi:ld/ n ۱- رشته ۲- زمینه ۳- مزرعه	switch /swɪtʃ/ v ۱- [صحبت و غیره] موضوع ... را عوض کردن ۲- عوض کردن، تغییر دادن
furthermore /,fɜ:ðə'mɔ: \$ 'fɜ:rðə'mɔ:r/ adv علاوه بر این، از این گذشته	switch over (تلویزیون) کانال را عوض کردن
giant /'dʒaɪənt/ adj, n ۱- خیلی بزرگ، غول‌پیکر ۲- آدم خیلی قد بلند	task /tɑ:sk \$ tæsk/ n کار، وظیفه
Go straight on مستقیم بروید	tower /'taʊə \$ -ər/ n برج
handle /'hændl/ v کنترل کردن، اداره کردن	turn /tɜ:n \$ tɜ:rn/ v پیچیدن، چرخیدن
human /'hju:mən/ n, adj ۱- انسان، آدم ۲- انسانی	turning /'tɜ:nɪŋ \$ 'tɜ:r-/ n (در جاده) پیچ، تقاطع
in addition to علاوه بر، گذشته از	wind power نیروی باد
influence /ɪnfluəns/ n, v ۱- اثر، تأثیر ۲- اثر گذاشتن بر	
inform /ɪn'fɔ:m \$ -ɔ:rm/ v مطلع کردن، خبر دادن به، اطلاع دادن به	
Mars /mɑ:z \$ ma:rz/ n (ستاره شناسی) مریخ، بهرام	

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری چند سال اخیر

سؤال ۱ کلمات ناقص را به‌طور کامل بازنویسی کنید.

116. desi_n , ende_vo_r , t_wer , swi_ch , c_nst_ntly , orb_t , dr_g / هماهنگ کشوری /
117. d_sabled , pro_e_sing , ta_k , sp_ed , in a__ition , fi_ld , acti_n / هماهنگ کشوری /
118. chem_st , spa_e_raft , d_ny , ser_es , sep_r_te , gi_nt , instr__tion / هماهنگ کشوری /

سؤال ۲ با استفاده از کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

process - giant - properly - endeavor - influence - disabled - exactly - orbit - programmable

119. We always see planes flying over our houses. / ادی ۹۴ /
120. Last night when I was returning home, my car didn't work / ادی ۹۳ /
121. Computers can any kind of information. / ادی ۹۳ /
122. Your answer was similar to the student who was sitting beside you. / شهریور ۹۳ /
123. It is a habit to visit people in hospital on national celebrations. / ادی ۹۲ /
124. A computer can do a lot of tasks because it is / ادی ۹۱ /
125. We know that the Earth takes a year to the sun. / شهریور ۹۰ /
126. I like my students for their to pass their exams successfully. / خرداد ۸۹ /

سؤال ۳ جمله‌های زیر را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

127. Milad is one of the tallest buildings in Iran. / ادی ۹۴ /
128. A person who is unable to use a part of his body completely or easily is called / ادی ۹۳ /
129. The of Azadi tower was an Iranian. / شهریور ۹۳ /
130. All that orbit out through space are controlled by computers. / شهریور ۹۱ /
131. Someone who controls an airplane or spacecraft is called a(n) / خرداد ۸۹ /
132. The instructions that are given to a computer are called / خرداد ۸۹ /

سؤال ۴ شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

133. Students should do their homework with much (care) / ادی ۹۴ /
134. The little girl looks because her mother has come back home. (happy) / شهریور ۹۳ /
135. Do you know what is the of this machine? (use) / شهریور ۹۱ /
136. His success in music brought to his family. (happy) / خرداد ۸۹ /
137. A pilot must do his work with great (care) / خرداد ۸۸ /
138. You must be The fire may burn your hand. (care) / خرداد ۸۴ /

پاسخ‌های تشریحی

۲۴. refuse , university , purpose , degree , produce , cure , ashamed
۲۵. already , government , realized , enough , prepare , lying , rubbish
۲۶. country , fashionable , society , system , silly , nation , education
۲۷. value - دولت توجه زیادی به ارزش آموزش در جامعه‌ی ما می‌کند.
۲۸. fashionable - این روزها داشتن تبلت به جای لپ‌تاپ دارد مد می‌شود.
۲۹. education - سیستم آموزشی مان در مدارس به کمی تغییر نیاز دارد.
۳۰. examined - دکتر او را معاینه کرد، اما نتوانست هیچ مشکلی پیدا کند.
۳۱. society - آن‌ها قصد دارند درباره‌ی نقش مرد و زن در جامعه‌ی امروزی تحقیق کنند.
۳۲. end - به نظر می‌رسد تنها هدف او در زندگی ثروتمند بودن است.
۳۳. refused - من تصمیم گرفتم ماشین را تنها بشویم، چون او از کمک کردن به من خودداری کرد.
۳۴. purpose - هدف از آموزش، آماده کردن بچه‌ها برای زندگی است.
۳۵. system - سیستم آموزشی در برخی از کشورها مناسب نیست.
۳۶. end - من فکر می‌کنم کمک کردن به افراد فقیر هدف او در زندگی است.
۳۷. stupid - این دانش آموز در یاد گرفتن و فهمیدن کند است. او دانش‌آموزی کندذهن است.
۳۸. degrees - تعداد زیادی از جوانان مدارک دانشگاهی دارند و از انجام دادن کارهای پست خودداری می‌کنند.
۳۹. university - من فارغ‌التحصیل رشته‌ی فیزیک از دانشگاه تهران هستم.
۴۰. ashamed - دانش‌آموزان باید از انجام کارهای احمقانه در کلاس شرمند باشند.
- از انجام دادن کاری شرمند بودن be ashamed of doing sth
۴۱. really - من واقعاً خوشحالم که جیم در یک شرکت تجاری کار پیدا کرده است. قید really برای تشدید کردن صفت قبل از آن به‌کار می‌رود.
۴۲. recently - مادرم اخیراً از اروپا برگشته است. قید recently به صورت (قسمت سوم فعل + have / has + recently) با ماضی نقلی به کار می‌رود.
۴۳. honest - آن‌ها سعی می‌کنند افراد درستکار را در کارخانه‌شان استخدام کنند. صفت (در این جا honest) قبل از اسم (در این جا people) می‌آید.
۴۴. honestly - او به تمام سؤال‌ها صادقانه پاسخ داد. قید حالت (در این جا honestly) بعد از فعل اصلی (در این جا answered) می‌آید و درباره‌ی فعل توضیح می‌دهد.
۴۵. easily - یک شناگر خوب معمولاً می‌تواند به راحتی طول استخر را شنا کند. قید حالت (در این جا easily) بعد از فعل اصلی (در این جا swim) می‌آید و درباره‌ی فعل توضیح می‌دهد.
۴۶. finally - او فکر می‌کند که بالاخره خوشبختی واقعی را یافته است. قیده‌ی finally و really معمولاً قبل از فعل اصلی می‌آید.

۱. effect , channels , pressure , recently , experiment , certain , practice
۲. group , suitable , theaters , worried , successfully , among , choice
۳. single , viewers , health , future , researchers , period , influence
۴. skill - او بعد از این که تابستان گذشته آن کتاب را تمام کرد، توانست مهارت خواندنش را بهتر کند.
۵. influence - او خیلی بی‌ادب است. فکر می‌کنم دوستانش نتوانستند بر او تأثیر بگذارند.
۶. recently - من اخیراً از سفر برگشته‌ام و هنوز احساس خستگی می‌کنم.
۷. except - آن سوپرمارکت هر روز به جز جمعه باز است.
۸. allow - معلم به دانش‌آموزان اجازه نمی‌دهد در طول مدت امتحان کتاب‌هایشان را باز کنند.
۹. experiment - آن‌ها دارند آزمایش انجام می‌دهند تا به دلیل آن بیماری پی ببرند. آزمایش انجام دادن do an experiment
۱۰. effect - صحبت کردن با تلفن برای مدت زمان طولانی تأثیر بدی روی گوش‌های شما دارد. تأثیر داشتن روی ... have an effect on
۱۱. struggle - وقتی خواهرهایش بر سر برنامه‌های تلویزیون دعوا می‌کنند، او تلویزیون را خاموش می‌کند.
۱۲. average - میانگین ۳، ۷ و ۸ می‌شود ۶.
۱۳. channel - من معمولاً مسابقات فوتبال را از کانال سه تماشا می‌کنم.
۱۴. average - بعضی از مردم خیلی ثروتمند هستند. بعضی خیلی فقیرند. تعداد زیادی متوسط هستند.
۱۵. experiment - محققان آزمایش انجام دادند تا به تأثیر این دارو پی ببرند.
۱۶. choice - آن‌ها من را مجبور کردند از بین خانواده و شغلم (یکی را) انتخاب کنم. انتخاب کردن make a choice = choose
۱۷. effect - تماشای بیش از حد تلویزیون ممکن است تأثیر بدی روی بینایی کودکان داشته باشد.
۱۸. cloudy - ما در این آسمان ابری نمی‌توانیم ستاره‌ها را ببینیم. صفت (در این جا rainy) قبل از اسم (در این جا sky) می‌آید.
۱۹. watery - او برای مدت طولانی تلویزیون تماشا کرده است. چشم‌هایش قرمز و اشک‌آلود است. صفت (در این جا watery) بعد از فعل (در این جا are) به کار می‌رود.
۲۰. sunny - اولین باری که او دوستش را ملاقات کرد، یک روز آفتابی بود.
۲۱. powerful - او شخص قدرتمندی است. بنابراین او می‌تواند به شما کمک کند تا آن میز را جابجا کنید. صفت (در این جا powerful) قبل از اسم (در این جا person) می‌آید.
۲۲. harmful - خوردن بیش از حد شکلات برای دندان‌هایتان مضر است.
۲۳. wonderful - او نویسنده‌ی بزرگی است. داستان جدیدش واقعاً عالی است. صفت (در این جا wonderful) بعد از فعل (در این جا is) به کار می‌رود.

- ۷۰ attract , committee , receive , winner , basically , consist , include
- ۷۱ athlete , gymnastics , religious , attract , celebration , follow , nation
- ۷۲ fortune , wrestling , organize , award , competition , hockey , second
- ۷۳ celebration - من معمولاً به جشن تولد دوستم می‌روم.
- ۷۴ immediately - فوراً از اتاق بیرون برو. تو نباید این‌جا باشی.
- ۷۵ attract - مسابقات فوتبال جوانان زیادی را جذب می‌کند.
- ۷۶ instructions - «آیا نحوه‌ی کار کردن با این رایانه را می‌دانید؟» «نه، بیا قبل از استفاده از آن، دستورالعمل را بخوانیم.»
- ۷۷ hold - آن‌ها هر تابستان برای پسرشان جشن تولد برگزار می‌کنند.
- ۷۸ include - مسابقات مدرسه شامل فوتبال، والیبال و ژیمناستیک است.
- ۷۹ take part - علی در بحث شرکت نکرد چون او درباره‌ی شیمی زیاد نمی‌دانست.
- take part in در ... شرکت کردن
- ۸۰ wrestling - دوستم در مسابقات اخیر در کشتی یک مدال طلا برد.
- ۸۱ athlete - کسی که در دو، پرش یا کشتی ماهر است، ورزشکار نامیده می‌شود.
- ۸۲ silver - تیم‌ها یا افرادی که مقام دوم را کسب می‌کنند، مدال نقره دریافت می‌کنند.
- ۸۳ Competitions - Games - چه کسی مسابقات/ بازی‌های المپیک را کنترل و سازمان‌دهی می‌کند؟
- ۸۴ individual - من ورزش‌های انفرادی را دوست ندارم. من معمولاً در ورزش‌های تیمی شرکت می‌کنم.
- ۸۵ gold - آن‌ها می‌خواهند به برنده‌ی مقام اول مدال طلا بدهند.
- ۸۶ swimming - ورزش حرکت دادن بدن‌تان در آب، شنا نامیده می‌شود.
- ۸۷ height - شما چطور ارتفاع کوه را اندازه می‌گیرید؟
بعد از حرف تعریف (در این‌جا the)، اسم (در این‌جا height) می‌آید.
- ۸۸ depth - عمق آب در این‌جا بیش از سه متر است.
بعد از حرف تعریف (در این‌جا the)، اسم (در این‌جا depth) می‌آید.
- ۸۹ long - او معمولاً هر وقت که مهمان او هستیم، برایمان داستانی طولانی می‌گوید.
قبل از اسم (در این‌جا story)، صفت (در این‌جا long) می‌آید.
- ۹۰ wide - عرض میزی که هفته‌ی گذشته ساختید چه قدر است؟
بعد از (How)، صفت (در این‌جا wide) می‌آید.
- ۹۱ hot - در این‌جا هوا خوب است؛ با وجود این، تابستان‌ها خیلی گرم می‌شود.
بعد از فعل ربطی (در این‌جا get) صفت (در این‌جا hot) می‌آید.
- ۹۲ deep - در این رودخانه شنا نکنید. خیلی عمیق است.
بعد از افعال ربطی (در این‌جا is)، صفت (در این‌جا deep) می‌آید.

- ۴۷ detail , foreigner , believe , scene , amount , stick , chemical
- ۴۸ feeling , emotional , ability , brain , detail , areas , photographic
- ۴۹ painful , physical , briefly , mind , mental , occur , psychologist
- ۵۰ painful - انگشتم در تصادف صدمه دید. الان خیلی درد می‌کند.
- درد کردن، درد داشتن (۱) be painful (۲) دردناک painful (۱)
- ۵۱ memory - متأسفانه حافظه‌ی ضعیفی دارم. بهتر است که آدرست را یادداشت کنم.
- ۵۲ chemical - روانشناسان در جستجوی اساس شیمیایی حافظه بوده‌اند.
- ۵۳ mental - حل کردن جدول، فعالیت ذهنی خوبی برای بچه‌های کوچک است.
- ۵۴ stick - اگر شما کلمات جدید را چندین بار تکرار نکنید، در ذهن شما نمی‌ماند.
- stick in one's mind در ذهن کسی ماندن، ملکه‌ی ذهن کسی شدن
- ۵۵ briefly - او برای مدت کوتاهی (لحظه‌ای) به نقاشی‌ام نگاه کرد و گفت اصلاً خوب نیست.
- ۵۶ occur - «چه موقع آن تصادف ماشین اتفاق افتاد؟» «فکر می‌کنم شب گذشته.»
- ۵۷ detail - می‌توانی فیلم را با جزئیات به من بگویی؟ به اطلاعات بیشتری نیاز دارم.
با جزئیات، به تفصیل in detail
- ۵۸ information - مغز می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات را ثبت کند.
- ۵۹ hobby - آن فعالیتی است که موقعی که کار نمی‌کنی دوست داری انجام دهی. آن سرگرمی شما است.
- ۶۰ stick - نامش خیلی مشکل است. در ذهنم نمی‌ماند.
- ۶۱ poems - فردوسی شعرهای بسیاری در شاهنامه نوشت.
- ۶۲ psychologist - من یک روان‌شناس هستم. من درباره‌ی شیوه‌ی فعالیت ذهن افراد مطالعه می‌کنم.
- ۶۳ details - من این داستان را چندین بار خوانده‌ام، بنابراین می‌توانم تمام جزئیات آن را به خاطر بیاورم.
- ۶۴ invitation - من دعوت او را نپذیرفتم چون مجبور بودم برای امتحان بخوانم.
اسم (در این‌جا invitation) بعد از صفت ملکی (در این‌جا his) به کار می‌رود.
- ۶۵ explain - او نتوانست توضیح دهد که این دستگاه چگونه درست کار می‌کند.
بعد از افعال کمکی (در این‌جا couldn't)، شکل ساده‌ی فعل (در این‌جا explain) می‌آید.
- ۶۶ existed - پلیس متوجه شد که هیچ‌کس در صحنه‌ی تصادف نبوده است.
جمله فعل ندارد و فعل ماضی نقلی به صورت (قسمت سوم فعل + have/has) است.
- ۶۷ migration - چیزهای زیادی در مورد مهاجرت پرندگان هنوز برای ما یک راز است.
بعد از s مالکیت (s) برای اسم مفرد یا s' برای اسم جمع مختوم به s، اسم (در این‌جا migration) می‌آید.
- ۶۸ explanation - او در مورد پروژه‌ی جدیدش توضیح خوبی ارائه داد.
اسم (در این‌جا explanation) بعد از صفت (در این‌جا good) می‌آید.
- ۶۹ existence - تعداد زیادی از مردم به وجود حیات بر روی سیارات دیگر اعتقاد دارند.
اسم (در این‌جا existence) بعد از حرف تعریف (در این‌جا the) به کار می‌رود.

۱۱۶. **design , endeavour , tower , switch , constantly , orbit , drug**

۱۱۷. **disabled , processing , task , speed , in addition , field , action**

۱۱۸. **chemist , spacecraft , deny , series , separate , giant , instruction**

۱۱۹. **giant** - ما همیشه هواپیماهای **غول‌پیکری** که بر فراز خانه‌هایمان پرواز می‌کنند را می‌بینیم.

۱۲۰. **properly** - دیشب وقتی داشتیم به خانه برمی‌گشتم، ماشینم **درست** کار نمی‌کرد.

۱۲۱. **process** - رایانه‌ها می‌توانند هر نوع اطلاعاتی را **پردازش** کنند.

۱۲۲. **exactly** - جواب شما **دقیقاً** شبیه به (جواب) دانش‌آموزی بود که کنار شما نشسته بود.

۱۲۳. **disabled** - ملاقات کردن افراد **معلول** در بیمارستان در روز جشن‌های ملی یک عادت شده است.

۱۲۴. **programmable** - یک رایانه می‌تواند کارهای زیادی را انجام دهد، چون **قابل برنامه‌ریزی** است.

۱۲۵. **orbit** - ما می‌دانیم که زمین یک سال طول می‌کشد تا به **دور** خورشید **بچرخد**.

۱۲۶. **endeavor** - من دانش‌آموزانم را به خاطر **تلاش**‌شان برای قبول شدن موفقیت‌آمیز در امتحانات‌شان دوست دارم.

۱۲۷. **tower** - **برج** میلاد یکی از بلندترین ساختمان‌ها در ایران است.

۱۲۸. **disabled** - شخصی که قادر نیست از قسمتی از بدنش به طور کامل یا به راحتی استفاده کند، **معلول** نامیده می‌شود.

۱۲۹. **designer** - **طراح** برج آزادی یک ایرانی بود.

۱۳۰. **spacecraft / spaceships** - تمام **سفینه‌های فضایی** که در فضا می‌چرخند به وسیله‌ی رایانه‌ها کنترل می‌شوند.

۱۳۱. **pilot** - کسی که یک هواپیما یا سفینه‌ی فضایی را کنترل می‌کند **خلبان** نامیده می‌شود.

۱۳۲. **programs** - دستورالعملی که به یک رایانه داده می‌شود **برنامه** نامیده می‌شود.

۱۳۳. **care** - دانش‌آموزان باید تکالیفشان را با **دقت** زیاد انجام دهند.

۱۳۴. **happy** - آن دختر کوچک **خوشحال** به نظر می‌رسد چون مادرش به خانه برگشته است.

صفت (در این جا **happy**) بعد از فعل ربطی (در این جا **look**) می‌آید.

۱۳۵. **use** - آیا می‌دانی **فایده‌ی** این دستگاه چیست؟

اسم (در این جا **use**) بعد از حرف تعریف (در این جا **the**) می‌آید.

۱۳۶. **happiness** - موفقیتش در موسیقی برای خانواده‌اش **خوشحالی** آورد.

بعد از فعل (در این جا **brought**)، اسم به عنوان مفعول (در این جا **happiness**) می‌آید.

۱۳۷. **care** - یک خلبان باید کارش را با **دقت** زیاد انجام دهد.

اسم (در این جا **care**) بعد از صفت (در این جا **great**) می‌آید.

۱۳۸. **careful** - شما باید **مراقب** باشید. آتش ممکن است دست‌تان را بسوزاند.

صفت (در این جا **careful**) بعد از فعل ربطی (در این جا **be**) می‌آید.

۹۳. **instead , puzzle , sheet , frightened , habit , pick up , wire**

۹۴. **behind , excited , still , immediately , jump , secret , voice**

۹۵. **afraid , papyrus , shout , forgotten , meal , while , health**

۹۶. **shout** - شما مجبور نیستید **فریاد** بزنید. من می‌توانم به خوبی صدای شما را بشنوم.

۹۷. **far apart** - رضا و برادرش در کشورهای متفاوتی زندگی می‌کنند. آن‌ها **خیلی دور از هم** زندگی می‌کنند.

۹۸. **fast** - اکثر مردم از زمانی که می‌خوابند تا وقتی که بیدار می‌شوند، **روزه** هستند.

۹۹. **instead of** - ما به **جای** غذای کامل، فقط سوپ خوردیم.

۱۰۰. **sheet** - او برای نوشتن گزارش به یک **ورق** کاغذ نیاز دارد.

۱۰۱. **meal** - چه زمانی دوست دارید **وعده‌ی غذایی** عصرتان را بخورید؟

۱۰۲. **involves** - آن معلم دانش‌آموزانش را در یادگیری **شرکت** می‌دهد.

۱۰۳. **surprised** - من واقعاً **تعجب** می‌کنم که او شماره تلفنم را به یاد داشت. او حافظه‌ی بدی داشت.

۱۰۴. **telephone** - ما هنوز وقتی **تلفن** را بر می‌داریم می‌گوییم "hello".

۱۰۵. **papyrus** - مدت‌ها قبل در مصر، مردم ورقه‌های کاغذ را از **پاپیروس** درست می‌کردند.

۱۰۶. **far apart** - رشت در شمال و کرمان در جنوب است. در واقع آن‌ها **خیلی دور از هم** هستند.

۱۰۷. **Moslem / Muslim** - کسی که از دین اسلام پیروی می‌کند **مسلمان** نامیده می‌شود.

۱۰۸. **invention** - **اختراع** شگفت‌انگیز گراهام بل تلفن بود.

۱۰۹. **paper** - من به یک ورق **کاغذ** نیاز دارم تا نامه‌ای بنویسم.

۱۱۰. **shocked** - همه از این که او در امتحان قبول شد **شوکه** بودند.

صفت مفعولی (در این جا **shocked**) برای توصیف انسان و حیوان (در این جا **everyone**) به کار می‌رود.

۱۱۱. **nice** - قهوه‌ای که در این جا درست می‌شود، معمولاً مزه‌ی خیلی **خوبی** دارد. بعد از فعل ربطی (در این جا **taste**) صفت (در این جا **nice**) می‌آید.

۱۱۲. **amusing** - او تلویزیون را خاموش کرد، چون فیلم **سرگرم‌کننده** نبود.

صفت فاعلی (در این جا **amusing**) غالباً برای توصیف غیرانسان (در این جا **film**) به کار می‌رود.

۱۱۳. **bored** - من از انجام دادن یک کار هر روز **خسته** هستم.

صفت مفعولی (در این جا **bored**) برای توصیف انسان و حیوان (در این جا **I**) به کار می‌رود.

۱۱۴. **interested** - او به شرکت کردن در فعالیتهای اجتماعی خیلی **علاقه‌مند** است.

صفت مفعولی (در این جا **interested**) برای توصیف انسان و حیوان (در این جا **He**) به کار می‌رود. به ... **علاقه‌مند** بودن **be interested in**

۱۱۵. **boring** - آقای امینی خوشحال به نظر نمی‌رسد. فکر می‌کنم شغلش **کسل‌کننده** است.

توجه: قیدهای زمان آینده (tomorrow , next week , later , soon ...) با «be going to» به کار می‌رود.

I am going to write a letter later. / قهر دارم بعداً نامه بنویسم.

نحوه‌ی پاسخ دادن به انواع سوال‌های امتحانی هماهنگ‌کنشوری

۱ سوال‌های چهار گزینه‌ای: در تست بند اسمی، قبل از جای خالی، کلمه‌ی پرسشی داریم و در گزینه‌ها، دو گزینه‌ی خبری و دو گزینه‌ی سؤالی در دو زمان متفاوت داریم. برای پاسخ دادن، در ابتدا دو گزینه‌ی سؤالی را حذف می‌کنیم و با توجه به زمان جمله، از دو گزینه‌ی خبری باقیمانده یکی را انتخاب می‌کنیم.

مثال "Where does Mohsen live?" "I don't know where"

- 1) he lived / شهرنور ۹۲
2) he lives
3) does he live
4) did he live

«مسن کجا زندگی می‌کند؟» «من نمی‌دانم او کجا زندگی می‌کند.»

قبل از جای خالی، کلمه‌ی پرسشی (where) داریم، بنابراین دو گزینه‌ی سؤالی (گزینه‌های ۳ و ۴) را حذف می‌کنیم و با توجه به زمان حال ساده‌ی جمله‌ی قبل (با توجه به وجود does)، جمله‌ی خبری حال ساده یعنی گزینه‌ی ۲ را انتخاب می‌کنیم. در تست «be going to»، غالباً یکی از گزینه‌ها «am / is / are going to» است که همین گزینه صحیح است.

مثال Mina usually drinks milk for breakfast. Today she coffee for breakfast. / خرداد ۸۹

- 1) was going to drink
2) is going to drink
3) had drunk
4) has drunk

مینا معمولاً صبحانه شیر می‌نور. امروز او قهر دارد صبحانه قهوه بنور.

۲ مرتب کردن جملات به هم ریخته: مرتب کردن را در دو مرحله انجام دهید. در ابتدا از بین کلمات به هم ریخته، کلمه‌ای را پیدا کنید که شما را به یکی از گرامر شش درس کتاب ارتباط دهد و با توجه به ساختار گرامر آن درس، قسمتی از جمله را مرتب کنید. در مرحله‌ی بعد، با توجه به معنی، قبل و بعد آن را کامل کنید. کلمات (am / is / are going to) و شکل ساده فعل (have)، نشانه‌ی گرامر «be going to» است.

کلمات (know یا remember) و کلمه‌ی پرسشی نشانه‌ی گرامر بند اسمی است.

مثال for _ he _ have _ a sandwich _ going _ lunch _ to _ is _ / دی ۸۹

و شکل ساده فعل (is going to) برای مرتب کردن در ابتدا با توجه به کلمات (is going to) و شکل ساده فعل (have) قسمتی از جمله را می‌نویسیم. سپس با توجه به معنی قسمت کامل شده، قبل و بعد آن را کامل می‌کنیم (کی قصد دارد بخورد = he / او قصد دارد چی بخورد = a sandwich)

.....چی..... is going to haveکی.....

He is going to have a sandwich for lunch.

«او قهر دارد برای ناهار یک ساندویچ بنور.»

در مورد بند اسمی در ابتدا قسمت زیر را با توجه به گرامر می‌نویسیم.

I know / I remember / I don't remember / I don't know / Do you remember / Do you know + فعل + فاعل + wh- + فعل

بخش سوم

دستور زبان

نمره ۹

بخش سوم سوال‌های امتحان نهایی گرامر است.

۱ سوال‌های چهار گزینه‌ای (۳ نمره): در این قسمت باید به ۶ سوال چهار گزینه‌ای پاسخ دهیم.

۲ مرتب کردن جملات به هم ریخته (۲ نمره): در این قسمت باید دو جمله‌ی به هم ریخته را مرتب کنیم.

۳ کامل کردن جملات ناقص (۲ نمره): در این قسمت باید دو جمله ناقص را با توجه به جمله‌ی قبل، کامل کنیم.

۴ پاسخ به سوال با توجه به تصویر (۲ نمره): در این قسمت باید با توجه به شکل به دو سوال پاسخ دهیم.

گرامر درس ۱

بند اسمی: در جمله‌ی پرسشی، بعد از کلمه‌ی پرسشی در ابتدای جمله، ساختار سؤالی (اول فعل، بعد فاعل) داریم.

اما در بند اسمی بعد از کلمه‌ی پرسشی در وسط جمله، ساختار خبری (اول فاعل، بعد فعل) داریم. بنابراین ساختار سؤالی صحیح نیست.

کلمات پرسشی:

why, when, where, what, what time, who, whom, which, whose, how, how many, how much, how far

"What time is it?" "I don't know what time it is."

جمله‌ی سؤالی / بند اسمی

«ساعت چند است؟» «من نمی‌دانم ساعت چند است.»

"What did she say?" "I don't remember what she said."

جمله‌ی سؤالی / بند اسمی

«او چه گفت؟» «به یاد نمی‌آورم او چه گفت.»

در بند اسمی، بند قبل چه سؤالی باشد چه خبری، بعد از کلمه‌ی پرسشی ساختار خبری (اول فاعل، بعد فعل) داریم.

در جمله‌ی زیر، علامت سوال مربوط به بند اول (Do you know) است.

"Do you know when Ali will meet his uncle?"

بند اسمی

«آیا می‌دانی چه موقع علی عمویش را ملاقات خواهد کرد؟»

آینده با "Be going to":

«be going to» به معنی (قصد داشتن، خواستن) برای بیان قصد انجام عملی در آینده‌ی قطعی به کار می‌رود و بعد از آن، شکل ساده‌ی فعل می‌آید.

شکل ساده‌ی فعل + am / is / are going to + فاعل

I'm going to buy a car tomorrow. / من قهر دارم فردا یک ماشین بخرم.

شکل ساده‌ی فعل

از «be going to» علاوه بر بیان قصد انجام عملی، برای بیان پیش‌بینی براساس شواهد موجود نیز به کار می‌رود.

Look at the black clouds. It's going to rain.

«به ابرهای تیره نگاه کن، می‌خواهد باران بیاید.»

گرامر درس ۲

مصدر با to: مصدر با to در ساختار ویژه با it به کار می‌رود.

... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + It + is / was

Was it difficult for Reza to speak French?

آیا صحبت کردن به فرانسوی برای رضا دشوار بود؟

I think it is easy for him to answer the question.

من فکر می‌کنم پاسخ دادن به آن سؤال برای او آسان است.

اسم مصدر: فعل ing (اسم مصدر) بعد از برخی افعال (مانند finish, enjoy) یا حروف اضافه (مانند in, of, for) به کار می‌رود.

He finished painting the room. اسم مصدر
او رنگ زدن اتاق را تمام کرد.

My mother was tired of washing the dishes. اسم مصدر حرف اضافه

مادر من از شستن ظرف‌ها خسته بود.

تمام افعال کتاب درسی که بعد از آن‌ها، اسم مصدر می‌آید:

like	دوست داشتن
love	دوست داشتن، عاشق ... بودن
dislike	دوست نداشتن، بدآمدن از
hate	متنفر بودن از
enjoy	لذت بردن از
avoid	اجتناب کردن از
prevent	جلوگیری کردن از
risk	خطر ... را پذیرفتن
finish	تمام کردن
stop	[سیگار] ترک کردن، از ... دست کشیدن
imagine	تصور کردن
miss	از دست دادن
spend	[وقت] صرف کردن
keep (on)	ادامه دادن
go on	ادامه دادن
mind	ناراحت شدن از

تمام حروف اضافه‌ی کتاب درسی:

in – on – at – by – of – for – from – after – before – with
without – about – to – into

کاربرد اسم مصدر: اسم مصدر نوعی اسم است و در جمله تمام نقش‌های اسم را می‌پذیرد و به عنوان فاعل، مفعول فعل و مفعول حرف اضافه به کار می‌رود:

Running made her tired. فاعل فعل

دویدن او را خسته کرد.

She enjoyed running. مفعول فعل فعل

او از دویدن لذت برد.

She was tired of running. مفعول حرف اضافه حرف اضافه

او از دویدن خسته بود.

نحوه‌ی پاسخ‌دادن به انواع سؤال‌های امتحانی هماهنگ‌کنشوری

۱ سؤال‌های چهار گزینه‌ای: چنانچه در گزینه‌های تست، مصدر (برای مثال go, going, to go) داشتیم دو حالت دارد. اگر قبل از جای خالی، حرف اضافه یا فعل‌های ارائه شده در جدول گرامر درس بود، گزینه‌ی اسم مصدر صحیح است و اگر در ابتدای جمله It و صفت داشتیم، مصدر با to صحیح است. اما چنانچه ابتدای جمله جای خالی بود، اسم مصدر صحیح است.

مثال I have enjoyed you. I hope to see you again soon.

- 1) meeting 2) to meet
3) meet 4) met

بخرداد /۸۸

از ملاقات با شما لذت بردم. امیدوارم دوباره شما را ببینم.

قبل از جای خالی، فعل (enjoy) داریم، بنابراین اسم مصدر (meeting) صحیح است.

مثال Did your sister think about her friends to the party?

آشهریور /۸۵

- 1) invites 2) to invite
3) invite 4) inviting

آیا فواهرت درباره‌ی دعوت کردن دوستانش به مهمانی فکر کرد؟

قبل از جای خالی، حرف اضافه (about) داریم، بنابراین اسم مصدر (inviting) صحیح است.

مثال It is important for my younger brother good clothes.

بخرداد /۸۶

- 1) wears 2) wear
3) wearing 4) to wear

برای برادر کوچکم مهم است که لباس‌های فوب بپوشد.

در ابتدای جمله، it و صفت (important) داریم، بنابراین مصدر با (to wear) صحیح است.

مثال I think that football for hours made him tired.

آشهریور /۸۹

- 1) play 2) playing
3) plays 4) played

فکر می‌کنم که ساعت‌ها فوتبال بازی کردن او را خسته کرد.

در ابتدای جمله‌ی دوم، جای خالی داریم، بنابراین اسم مصدر (playing) صحیح است.

۲ مرتب کردن جملات به هم ریخته: مرتب کردن را در دو مرحله انجام دهید. در ابتدا از بین کلمات به هم ریخته، کلمه‌ای را پیدا کنید که شما را به یکی از گرامر شش درس کتاب ارتباط دهد و با توجه به ساختار گرامر آن درس، قسمتی از جمله را مرتب کنید. در مرحله‌ی بعد، با توجه به معنی، قبل و بعد آن را کامل کنید.

چنانچه بین کلمات به هم ریخته، اسم مصدر باشد دو حالت وجود دارد:

۱- اگر بین کلمات، اسم مصدر و حرف اضافه یا فعلی که بعد از آن اسم مصدر می‌آید باشد، در ابتدا (اسم مصدر + فعل) یا (اسم مصدر + حرف اضافه) را می‌نویسیم، سپس با توجه به معنی، قبل و بعد آن را کامل کنید.

مثال "Is it necessary for every student to know a new language?"

آخرداد / ۸۹

"Yes, knowing"

"Yes, **knowing** a new language is necessary for every student."

آیا دانستن یک زبان جدید برای همه دانش‌آموزان ضروری است؟
بله، دانستن یک زبان جدید برای همه دانش‌آموزان ضروری است.

مثال Running fast is difficult for a fat man.

ادی / ۸۹

It is

It is difficult for a fat man **to run** fast.

سریع دویدن برای یک مرد چاق، دشوار است.

۴ پاسخ به سؤال با توجه به تصویر:

در سؤال مربوط به تصویر، چنانچه در سؤال فعل make باشد، پاسخ را با اسم مصدر شروع می‌کنیم.

مثال What made John happy last summer?

ادی / ۹۱



Travelling by train made him happy last summer.

مسافرت کردن با قطار در تابستان او را خوشحال کرد.

مثال dislikes _ dirty _ my sister _ clothes _ washing _ . / شهریور / ۸۳

برای مرتب کردن در ابتدا (dislikes washing) را می‌نویسیم، سپس می‌گوییم (کی بدش می‌آید از شستن؟ / خواهرم بدش می‌آید از شستن چی؟)

My sister dislikes washing dirty clothes.

۲ ۱ ۲

خواهرم از شستن لباس‌های کثیف بدش می‌آید.

۲- اگر بین کلمات اسم مصدر و فعل (is / was یا make) باشد، اسم مصدر با مفعولش را در ابتدای جمله می‌نویسیم، سپس فعل make و صفت می‌نویسیم.

مثال dishes _ Mina _ tired _ washing _ made _ dirty _ . / آخرداد / ۸۶

برای مرتب کردن در ابتدا (Washing dirty dishes) سپس (made him tired) می‌نویسیم.

Washing dirty dishes made Mina tired.

۱ ۲

شستن ظرف‌های کثیف مینا را خسته کرد.

چنانچه بین کلمات به هم ریخته، it، صفت و مصدر با to داشته باشیم، با استفاده از ساختار it مرتب می‌کنیم.

مثال isn't _ for _ to _ the lesson _ it _ hard _ understand _ me _ .

آخرداد / ۸۴

It isn't hard for me to understand the lesson.

فهمیدن این درس برای من سخت نیست.

۳ کامل کردن جملات ناقص: این نوع سؤال، فقط از بند اسمی به صورت زیر سؤال می‌آید:

در این قسمت باید جمله‌ای که ساختار it دارد را به جمله‌ای تبدیل کنید که اسم مصدر در ابتدای جمله باشد و برعکس.

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری درس دوم

سؤال ۱ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های پیشنهاد شده انتخاب کنید.

12. Ali is a hard-working student. He never stops

- 1) try 2) trying 3) tried 4) tries

ادی / ۹۴

13. It is impossible for an elephant faster than a horse.

- 1) to go 2) go 3) goes 4) going

ادی / ۹۱

14. It was getting late but Mary decided to go on

- 1) read 2) reads 3) reading 4) to read

آخرداد / ۸۹

15. We thanked him for our questions honestly.

- 1) to answer 2) answering 3) answer 4) answered

ادی / ۸۹

16. I think a foreign language is necessary for every student.

- 1) learn 2) learning 3) to learn 4) learns

ادی / ۸۸

17. It is necessary for the students hard before the exam.

- 1) study 2) studying 3) to study 4) studied

ادی / ۸۸

سؤال ۲ با هر گروه از کلمه‌های زیر یک جمله‌ی کامل بنویسید.

18. health _ for _ is _ eating _ your _ good _ vegetables _ .

ادی / ۹۲

19. the tree _ wasn't _ climb _ difficult _ for _ it _ to _ him _ .

شهریور / ۸۹

سؤال ۳ براساس جمله‌های داده شده، جملات ناقص را کامل کنید.

شهریور ۹۲ /

20. "Is it necessary for the students to be on time at school?"

"Yes, being"

21. Travelling in foreign countries is very interesting for us.

It

شهریور ۹۱ /

22. What will make Jimmy happy?



play

23. What does Mr. White dislike doing?



wash

دی ۸۹ /

سؤال ۴ با توجه به تصاویر به سؤالات زیر پاسخ دهید.

شهریور ۹۳، خرداد ۸۸ و دی ۸۶ /

"Did you look after your mother?" «آیا از مادرتان مراقبت کردید؟»

اسم حرف اضافه فعل

"Yes, I looked after my mother / her." «بله، از او / از مادرم مراقبت کردم.»

ضمیر مفعولی اسم

"Is he interested in the film?" «آیا او به فیلم علاقه‌مند است؟»

اسم حرف اضافه صفت

"Yes, he is interested in the film / it." «بله، او به فیلم / به آن علاقه‌مند است.»

ضمیر مفعولی اسم

توجه: اگر مفعول جمله، اسم جمع یا اسمی باشد که فقط به صورت جمع به کار می‌رود، مانند (عینک glasses و لباس clothes) از ضمیر مفعولی جمع (them) استفاده می‌کنیم.

If you don't see without glasses, why don't you put them on?

«اگر بدون عینک نمی‌بینی، چرا آن را نمی‌زنی؟»

تمام افعال دو کلمه‌ای جدانشدنی و صفات با حروف اضافه‌ی آن‌ها:

حرف اضافه + فعل		حرف اضافه + صفت	
look after	مراقبت کردن از	similar to	شبیبه، شبیه به
look at	نگاه کردن به	different from	متفاوت از
look for	دنبال ... گشتن	full of	پر از
wait for	منتظر ... ماندن	tired of	خسته از
listen to	گوش دادن به	aware of	آگاه از
talk to / with	صحبت کردن با	afraid of	ترسیده از
talk / speak about	صحبت کردن در مورد	ashamed of	شرمنده از
think about / of	فکر کردن درباره‌ی	careful about / of	مراقب
insist on	اصرار کردن بر	interested in	علاقه‌مند به
depend on	بستگی داشتن به	responsible for	مسئول
consist of	تشکیل شدن از	sorry about / for	متأسف برای
worry about	نگران ... بودن	angry with	خشمگین از، عصبانی از
		worried about	نگران

گرامردرس ۳

افعال دو کلمه‌ای:

۱- فعل دو کلمه‌ای جدا شدنی از دو قسمت (جزء قیدی + فعل) تشکیل شده است:

take off برداشتن [لباس] درآوردن pick up جزء قیدی فعل

چنانچه مفعول جمله، اسم باشد، اسم می‌تواند قبل یا بعد از جزء قیدی بیاید اما اگر مفعول جمله، ضمیر مفعولی باشد، حتماً باید بین فعل و جزء قیدی بیاید.

Turn down the TV. Turn the TV down. Turn it down.
مفعول (اسم) مفعول (اسم) ضمیر مفعولی

صدای تلویزیون را / آن را کم کن.

"Did you look up the words in your dictionary?" "Yes, I looked them up."

اسم جزء قیدی فعل ضمیر مفعولی

«آیا شما معنی آن کلمه‌ها را در فرهنگ لغت تان پیدا کردید؟» «بله، من معنی آن‌ها را پیدا کردم.»
تمام افعال دو کلمه‌ای جدانشدنی کتاب درسی:

put on	[لباس] پوشیدن
turn on	[تلویزیون و غیره] روشن کردن
turn up	صدای ... را بلند کردن
call up	تلفن کردن به
wake up	بیدار کردن
pick up	برداشتن، بلند کردن
look up	(در فرهنگ لغت) دنبال ... گشتن
take off	[لباس] درآوردن
turn off	[تلویزیون و غیره] خاموش کردن
turn down	صدای ... را کم کردن
write down	نوشتن، یادداشت کردن
give back	برگرداندن، پس دادن
take apart	[دستگاه] (قطعات) باز کردن

۲- برخی از افعال و صفات با حروف اضافه‌ی خاصی به کار می‌روند و جدا نشدنی هستند. در مورد فعل دو کلمه‌ای جدا نشدنی، مفعول جمله چه اسم باشد چه ضمیر مفعولی، حتماً باید بعد از حرف اضافه بیاید.

مثال The teacher had forced them down silently. / ۹۲ / ایدی

- 1) sit
- 2) sits
- 3) to sit
- 4) sat

«معلم آن‌ها را مجبور کرده بود تا بی‌سر و صدرا بنشینند.»

قبل از جای خالی، فعل force داریم بنابراین مصدر با to (to sit) صحیح است.

مثال Ali's father told him his free time usefully. / ۱۸۹ / ایدی

- 1) not spend
- 2) didn't spend
- 3) don't spend
- 4) not to spend

«پدر علی به او گفت که وقت آزارش را بیهوده صرف نکند.»

قبل از جای خالی، گذشته‌ی فعل tell داریم، بنابراین مصدر منفی (not to spend) صحیح است.

۲ مرتب کردن جملات به هم ریخته: اگر بین کلمات، to و فعلی باشد که بعد از آن مصدر با to باشد، در ابتدا (شکل ساده‌ی فعل + to + مفعول + فعل) را می‌نویسیم سپس با توجه به معنی، قبل و بعد آن را کامل کنید.

مثال ordered _ her _ to sit _ immediately _ boss _ down _ her _ .

ا شهریور / ۹۱

برای مرتب کردن در ابتدا (ordered her to sit) را می‌نویسیم، سپس می‌گوییم (کی به او دستور داد؟ / ریسیش به او دستور داد که چه کار کند؟)

Her boss ordered her to sit down immediately.

۲ ۱ ۲
«ریسیش به او دستور داد تا فوراً بنشیند.»

۳ کامل کردن جملات ناقص: در این قسمت باید جمله‌ی نقل قول امری مستقیم به جمله‌ی نقل قول امری غیر مستقیم تبدیل کنیم. در ابتدا علامت نقل قول (") و ویرگول (,) را حذف می‌کنیم، سپس فعل امر مثبت را به «مصدر با to» و فعل امر منفی را به «شکل ساده‌ی فعل + not to» تبدیل می‌کنیم و صفات ملکی و ضمائر را با توجه به مفهوم جمله تغییر می‌دهیم.

مثال The man told Mina, "Put your bag on the table." / ایدی / ۹۱

The man told Mina
The man told Mina to put her bag on the table.

«آن مرد به مینا گفت که کیفش را روی میز بگذارد.»

مثال My father said to John, "Don't speak about your future plan." / ایدی / ۱۸۸

My father asked John
My father asked John not to speak about his future plan.

«پدرم از جان فواست تا در مورد برنامه‌ی آینده‌اش صحبت نکند.»

۴ پاسخ به سؤال با توجه به تصویر: در سؤال مربوط به تصویر، در ابتدا کلمه‌ی پرسشی (What) را حذف کرده و جمله را از حالت سؤالی خارج می‌کنیم، سپس به جای do، فعل زیر تصویر را با مفعولش می‌نویسیم.

مثال What did Mr. Salehi advise him to do?

ا خرداد / ۱۸۷



Mr. Salehi advised him to brush his teeth.

«آقای صالحی به او توصیه کرد که دندان‌هایش را مسواک بزند.»

۱- بعد از like ، love ، hate و prefer هم می‌تواند مصدر با to و هم اسم مصدر بیاید.

He likes repairing the car. «او تعمیر کردن ماشین را دوست دارد.»

He likes to repair the car «او دوست دارد ماشین را تعمیر کند.»

۲- بعد از stop به معنی (از ... دست کشیدن، ترک کردن، متوقف کردن)، اسم مصدر اما بعد از stop به معنی (ایستادن، توقف کردن)، مصدر با to می‌آید.

He got very tired so he stopped working.

«او خیلی خسته شد بنابراین از کار کردن دست کشید.»

He got hungry so he stopped to eat.

«او گرسنه شد بنابراین ایستاد تا غذا بخورد.»

در جمله‌ی اول، اگر از مصدر با to (to work) استفاده می‌کردیم، معنی جمله چنین می‌شد: (او خیلی خسته شد بنابراین ایستاد تا کار کند.) و در جمله‌ی دوم نیز اگر از اسم مصدر (eating) استفاده می‌کردیم، معنی چنین می‌شد: (او گرسنه شد بنابراین از خوردن دست کشید.)

۳- بعد از try، به معنی (امتحان کردن)، اسم مصدر اما بعد از try به معنی (سعی کردن)، مصدر با to می‌آید.

Try using a different shampoo.

«شامپوی دیگری را امتحان کن.»

I tried to repair his car, but I couldn't.

سعی کردم ماشینش را تعمیر کنم اما نتوانستم.»

نقل قول امری غیرمستقیم:

در نقل قول مستقیم، سخنان شخصی را عیناً بدون تغییر، نقل می‌کنیم و داخل علامت نقل قول (") می‌نویسیم. ولی در نقل قول غیرمستقیم، شخصی سخنان شخص دیگری را عیناً نقل نمی‌کند، بلکه با تغییراتی بیان می‌کند که همان مفهوم را دارد.

برای تبدیل نقل قول امری مستقیم به غیرمستقیم:

۱- علامت نقل قول (") و کاما (,) را حذف می‌کنیم.

۲- از افعال گذشته‌ی told ، ordered ، asked و said to استفاده می‌کنیم و بعد از آن‌ها مفعول می‌آوریم.

۳- فعل امر مثبت را به «مصدر با to» و فعل امر منفی را به «شکل ساده‌ی فعل + not to» تبدیل می‌کنیم.

۴- فعل please را حذف کرده و به جای آن از فعل asked استفاده می‌کنیم.

۵- صفات ملکی و ضمائر را با توجه به مفهوم جمله تغییر می‌دهیم.

Ali said to Mina, "Give your book to me."

Ali told Mina to give her book to him.

علی به مینا گفت: «کتابت را به من بده.» علی به مینا گفت که کتابش را به او بدهد.

Mina told Ali, "Don't wear your blue shirt."

Mina told Ali not to wear his blue shirt.

مینا به علی گفت: «پیراهن آبی‌ت را نپوش.» مینا به علی گفت که پیراهن آبی‌ش را نپوشد.

نحوه‌ی پاسخ دادن به انواع سوال‌های امتحانی هماهنگ‌کشوری

۱ سؤال‌های چهار گزینه‌ای: چنانچه در گزینه‌های تست، مصدر (برای مثال go،

going ، to go) داشتیم دو حالت دارد. اگر قبل از جای خالی، حرف اضافه یا فعل‌های ارائه شده در جدول گرامر درس دوم بود، گزینه‌ی اسم مصدر صحیح است و اگر در ابتدای جمله It و صفت داشتیم، مصدر با to صحیح است. اگر قبل از جای خالی، فعل‌های ارائه شده در جدول گرامر این درس بود، گزینه‌ی مصدر با to یعنی (شکل ساده‌ی فعل + to) یا (شکل ساده‌ی فعل + not to) صحیح است.

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری درس چهارم

سؤال ۱ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های پیشنهاد شده انتخاب کنید.

36. We advised him that expensive car. /ادی ۹۴
 1) buys 2) buying 3) to buy 4) buy
37. The teacher had forced them down silently. /ادی ۹۲
 1) sit 2) sits 3) to sit 4) sat
38. Ali's father told him his free time uselessly. /ادی ۸۹
 1) not spend 2) didn't spend 3) don't spend 4) not to spend
39. My sister was sick. She asked me out that evening. /شهریور ۸۷
 1) not going 2) not to go 3) not go 4) don't go
40. He is a hard-working man. He never stops /ادی ۸۸
 1) to try 2) trying 3) tries 4) tried
41. I will do the shopping when I finish the dishes. /خرداد ۸۵
 1) wash 2) washing 3) washed 4) to wash

سؤال ۲ با هر گروه از کلمه‌های زیر یک جمله‌ی کامل بنویسید.

42. carefully _ the teacher _ wanted _ the exercise _ us _ to do _ . /شهریور ۹۰
43. turn on _ the mother _ the TV _ her child _ permitted _ to _ . /خرداد ۸۹

سؤال ۳ براساس جمله‌های داده شده، جملات ناقص را کامل کنید.

44. My mother told me, "Put your bag on the table."
 She told me /ادی ۹۴
45. I said to Jane, "Don't read your brother's letter."
 I asked Jane /ادی ۸۹

46. What does he expect her to do?



سؤال ۳ با توجه به تصاویر به سؤالات زیر پاسخ دهید.

/شهریور ۹۳ و ۸۹

47. What is the shopkeeper advising him to do?



/ادی ۹۰

سؤال ۲ با هر گروه از کلمه‌های زیر یک جمله‌ی کامل بنویسید.

ادی / ۹۴

54. beautiful – very expensive – carpet – is – this – Persian – .

شهریور / ۹۲

55. were – because – the – was – frightened – the film – boys – frightening – .

سؤال ۳ بر اساس جمله‌های داده شده، جملات ناقص را کامل کنید.

آخرداد / ۸۷

56. Why are the girls frightened?

They are because the animals are

57. Mina was shocked because the news was shocking.

آخرداد / ۸۱

Why

سؤال ۳ با توجه به تصاویر به سؤالات زیر پاسخ دهید.

ادی / ۹۴

58. Why is the woman surprised?



59. Why is the girl confused?



آخرداد ۸۵ و دی ۸۹

۳- چنانچه خواهید می‌توانید فاعل را به صورت (ضمیرفاعلی / فاعل + by) در انتهای جمله بیاورید.

They **broke** the window. The window **was broken** (by them).

فعل مجهول مفعول فعل مفعول

«آن‌ها پنجره را شکستند، پنجره (توسط آن‌ها) شکسته شد.»

He **has invited** them to the party. They **have been invited**.

فعل مجهول مفعول فعل مفعول

«او آن‌ها را به مهمانی دعوت کرده است. آن‌ها دعوت شده‌اند.»

توجه: فعل معلوم مفعول ندارد، بنابراین مجهول نمی‌شود.

He **went** to the party.

«او به مهمانی رفت.»

گرامردرس ۶

معلوم و مجهول:

جمله‌ی معلوم جمله‌ای است که فاعل آن (انجام‌دهنده‌ی کار) معلوم است و در ابتدای جمله می‌آید.

جمله‌ی مجهول جمله‌ای است که فاعل اهمیت ندارد و مفعول به جای آن در ابتدای جمله می‌آید.

برای تبدیل جمله‌ی معلوم به مجهول:

- ۱- مفعول جمله‌ی معلوم را که بعد از فعل است به ابتدای جمله‌ی مجهول می‌آوریم. بنابراین در جمله‌ی مجهول بعد از فعل، مفعول نداریم. (راه تشخیص)
- ۲- فعل معلوم را با توجه به زمان و مفعول، به صورت زیر به فعل مجهول تبدیل می‌کنیم:

(pp) قسمت سوم فعل + فعل to be

جدول فعل مجهول در تمام زمان‌ها:

زمان	فعل مجهول			مثال
حال ساده	am / is / are	pp		The letter is written (by him). نام (توسط او) نوشته می‌شود.
گذشته‌ی ساده	was / were	pp		The letter was written yesterday. دیروز نامه نوشته شد.
حال استمراری	am / is / are	being	pp	The letter is being written now. الان نامه دارد نوشته می‌شود.
گذشته‌ی استمراری	was / were	being	pp	The letter was being written last night. دیشب نامه داشت نوشته می‌شد.
ماضی نقلی	have / has	been	pp	The letter hasn't been written yet. هنوز نامه نوشته نشده است.
ماضی بعید	had	been	pp	The letter had been written before I came. قبل از این که من بیایم، نامه نوشته شده بود.
آینده	will	be	pp	The letter will be written tomorrow. فردا نامه نوشته خواهد شد.
آینده	be going to	be	pp	The letter is going to be written . قرار است نامه نوشته شود.
وجهی	can / may	be	pp	The letter should be written . نامه باید نوشته شود.
مصدر	to	be	pp	I want the letter to be written . من می‌خواهم نامه نوشته شود.

66. large _ built _ year _ apartments _ these _ last _ were _ .

67. has _ this _ been _ several _ film _ times _ shown _ .

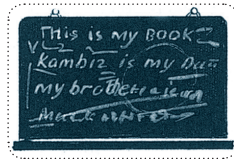
68. This problem had been solved in the classroom before?

Where

69. The car was washed in the yard yesterday.

When

70. Has the blackboard been cleaned?



71. Should Betty's hand be washed?



Do you know **where he has written this letter** ?

می‌دانی او کجا این نامه را نوشته است؟

در ابتدا (Do you know)، سپس با توجه به این که بند اسمی است، بعد از کلمه‌ی پرسشی، جمله‌ی خبری (اول فاعل بعد فعل) می‌آید.

He is going to have a sandwich for lunch.

او قصد دارد برای ناهار ساندویچ بخورد.

در ابتدا با توجه به این که بعد از (is going to) شکل ساده فعل (have) می‌آید، قسمت رنگی جمله را می‌نویسیم، سپس با توجه به معنی، بقیه‌ی جمله را می‌نویسیم.

۹. «برادرت چند عکس گرفت؟»

"I don't know **how many pictures my brother / he took?**"

«من نمی‌دانم برادرم / او چند عکس گرفت.»

برای پاسخ دادن، جمله‌ی بعد از کلمه‌ی پرسشی را از حالت سؤالی خارج می‌کنیم و کل جمله را در جای خالی می‌نویسیم.

۱۰. «او چه چیزی فراموش کرده است بخرد؟»

"I don't know **what he has forgotten to buy.**"

«من نمی‌دانم او چه چیزی را فراموش کرده است بخرد.»

۱۱. دخترها قصد دارند چه کار کنند؟

They are going to play ping-pong.

آن‌ها قصد دارند پینگ‌پنگ بازی کنند.

۱۲. علی دانش‌آموز سخت‌کوشی است. او هرگز از **تلاش کردن** دست نمی‌کشد.

قبل از جای خالی، stop (از ... دست کشیدن، [سیگار] ترک کردن) آمده است بنابراین اسم مصدر (trying) صحیح است.

سؤال ۲ با هر گروه از کلمه‌های زیر یک جمله‌ی کامل بنویسید.

ادی ۹۰

ادی ۸۵

سؤال ۳ براساس جمله‌های داده شده، جملات ناقص را کامل کنید.

ادی ۹۰

شهریور ۱۸۷

سؤال ۳ با توجه به تصاویر به سؤالات زیر پاسخ دهید.

ادی ۹۴

شهریور ۹۲ و دی ۱۸۷

پاسخ‌های تشریحی

۱. (۳) «آیا تکالیفت را انجام داده‌ای؟» «نه، قصد دارم عصر انجام بدهم.»

یکی از گزینه‌ها یعنی گزینه‌ی ۳، «am / is / are going to» است که همین گزینه صحیح است.

۲. (۲) رضا تصمیم گرفته است به خرید برود. او قصد دارد چیزی برای شام بخرد.

یکی از گزینه‌ها یعنی گزینه‌ی ۲، «am / is / are going to» است که همین گزینه صحیح است.

۳. (۴) آن پلیس می‌خواست بداند که چطور آن مرد کلیدها را دزدید.

قبل از جای خالی، کلمه‌ی پرسشی (how) داریم، بنابراین دو گزینه‌ی سؤالی (گزینه‌های ۱ و ۲) را حذف می‌کنیم و با توجه به زمان گذشته ساده‌ی جمله (با توجه به وجود wanted)، جمله‌ی خبری گذشته‌ی ساده یعنی گزینه‌ی ۴ را انتخاب می‌کنیم.

۴. (۴) امشب ساعت یازده تلویزیون برنامه‌ی خوبی دارد، قصد داری آن را تماشا کنی؟

یکی از گزینه‌ها یعنی گزینه‌ی ۴، «am / is / are going to» است که همین گزینه صحیح است.

۵. (۴) آیا می‌دانی او در کلاس چه گفت؟

۶. (۲) آیا می‌دانی چرا دیروز تیم‌مان بازی را باخت؟

قبل از جای خالی، کلمه‌ی پرسشی (why) داریم، بنابراین گزینه‌ی سؤالی (گزینه‌ی ۱) را حذف می‌کنیم و از بین گزینه‌های باقیمانده، جمله‌ی خبری (اول فاعل بعد فعل) را انتخاب می‌کنیم. با توجه به قید گذشته (yesterday)، جمله‌ی خبری زمان گذشته ساده (lost) یعنی گزینه‌ی ۲ را انتخاب می‌کنیم.

۱۳. (۱) برای یک فیل غیرممکن است که سریع‌تر از یک اسب برود.

در سؤال it و صفت (impossible) داریم بنابراین با توجه به ساختار it، مصدر با to صحیح است.

۱۴. (۳) داشت دیر می‌شد اما مری تصمیم داشت به خواندن ادامه دهد.

قبل از جای خالی، go on آمده است، بنابراین اسم مصدر (reading) صحیح است.

۱۵. (۲) ما از او برای جواب دادن صادقانه به سؤال‌هایمان تشکر کردیم.

قبل از جای خالی، حرف اضافه (for) آمده است، بنابراین اسم مصدر (answering) صحیح است.

۱۶. (۲) من فکر می‌کنم یاد گرفتن یک زبان خارجی برای تمام دانش‌آموزان ضروری است.

ابتدای جمله دوم، جای خالی داریم، بنابراین اسم مصدر (learning) صحیح است. اسم مصدر در ابتدای جمله به عنوان مبتدا به کار می‌رود.

۱۷. (۳) برای دانش‌آموزان ضروری است که قبل از امتحان سخت درس بخوانند.

در سؤال it و صفت (necessary) داریم بنابراین با توجه به ساختار it، مصدر با to صحیح است.

۱۸. Eating vegetables is good for your health.

خوردن سبزیجات برای سلامتی شما خوب است.

چنانچه بین کلمات، اسم مصدر و فعل (make یا is / was) داشته باشیم، اسم مصدر با مفعولش را در ابتدای جمله می‌نویسیم.

۱۹. It wasn't difficult for him to climb the tree.

بالا رفتن از درخت برای او دشوار نبود.

چنانچه بین کلمات به هم ریخته، it، صفت و مصدر با to داشته باشیم، با استفاده از ساختار it آن را مرتب می‌کنیم.

۲۰. «آیا برای دانش‌آموزان ضروری است تا به موقع در مدرسه باشند؟»

“Yes, being on time at school is necessary for the students.”

«بله، بودن به موقع در مدرسه برای دانش‌آموزان ضروری است.»

در این سؤال باید جمله‌ای که ساختار it دارد را به جمله‌ای تبدیل کنیم که اسم مصدر در ابتدای جمله باشد.

۲۱. سفر کردن در کشورهای خارجی برای ما خیلی جالب است.

It is very interesting for us to travel in foreign countries.

سفر کردن در کشورهای خارجی برای ما خیلی جالب است.

در این سؤال باید جمله‌ای که با اسم مصدر (Travelling) شروع شده را به جمله‌ای که ساختار it دارد تبدیل کنیم.

۲۲. چه چیزی جیمی را خوشحال خواهد کرد؟

Playing ping-pong will make Jimmy (him) happy.

بازی پینگ‌پنگ جیمی را (او را) خوشحال خواهد کرد.

در سؤال مربوط به تصویر، چنانچه در سؤال فعل make باشد، پاسخ را با اسم مصدر شروع می‌کنیم.

۲۳. آقای وایت از انجام چه کاری بدش می‌آید؟

He dislikes washing the dishes. او از شستن ظرف‌ها بدش می‌آید.

۲۴. (۴) اکثر بچه‌های کوچک از حیوانات می‌ترسند.

be afraid of ترسیدن

۲۵. (۲) او دیروز نتوانست خودکارش را پیدا کند، بنابراین او دارد همه جا دنبال آن می‌گردد.

look for جدانشدنی است و ضمیر مفعولی و اسم فقط بعد از حرف اضافه می‌آید بنابراین گزینه‌های ۱ و ۳ حذف می‌شوند. ضمیر it به his pen برمی‌گردد

بنابراین گزینه‌ی ۲ صحیح است.

۲۶. (۱) کلیدهایم کف اتاق است. می‌توانید آن را به من بدهید؟

pick up جدانشدنی است و ضمیر مفعولی فقط بین فعل و جزء قیدی می‌آید

بنابراین گزینه‌های ۲ و ۴ حذف می‌شوند. ضمیر them به the keys برمی‌گردد بنابراین گزینه‌ی ۱ صحیح است.

۲۷. (۳) برادر کوچکش مسئول شکستن آن پنجره بود.

for حرف اضافه‌ی صفت responsible صحیح است.

۲۸. (۲) صدای رادیو خیلی بلند است. ممکن است لطفاً صدای آن را کم کنید؟

turn down جدانشدنی است و ضمیر مفعولی فقط بین فعل و جزء قیدی

می‌آید بنابراین گزینه‌های ۱ و ۳ حذف می‌شوند. ضمیر it به the radio برمی‌گردد بنابراین گزینه‌ی ۲ صحیح است.

۲۹. (۳) «آیا تکه‌های شکلات را پس دادی؟» «نه، آن‌ها را پس ندادم.»

give back جدانشدنی است و ضمیر مفعولی فقط بین فعل و جزء قیدی می‌آید

بنابراین گزینه‌های ۱ و ۴ حذف می‌شوند. ضمیر them به bars برمی‌گردد بنابراین گزینه‌ی ۳ صحیح است.

۳۰. I usually wake him up at 6 every morning.

من معمولاً هر روز ساعت ۶ او را بیدار می‌کنم.

برای مرتب کردن ابتدا (wake him up) را می‌نویسیم سپس با توجه به معنی بقیه را می‌نویسیم.

۳۱. The young man was thinking about repairing his new house.

آن مرد جوان داشت در مورد تعمیرکردن خانه‌ی جدیدش فکر می‌کرد.

۳۲. «آیا برادرت منتظر دوستانش ماند؟»

«بله او منتظر آن‌ها ماند.»

wait for جدانشدنی است و ضمیر مفعولی فقط بعد از حرف اضافه می‌آید.

۳۳. «چه کسی سکه‌ها را برداشت؟»

«فکر می‌کنم رضا آن‌ها را برداشت.»

pick up جدانشدنی است و ضمیر مفعولی فقط قبل از جزء قیدی می‌آید.

۳۴. آن پسرها دارند چه کار می‌کنند؟

They are waiting for the bus. آن‌ها منتظر اتوبوس هستند.

۳۵. آن پرستار دارد چه کار می‌کند؟

او دارد از آن زن بیمار مراقبت می‌کند.

۳۶. (۳) ما به او توصیه کردیم آن ماشین گران قیمت را نخرد.

بعد از advice مصدر با to می‌آید.

در گزینه‌های تست، چند صفت پشت سرهم داریم. ابتدا، «کاسرمج» رو بنویسید بعد اولین صفتِ گزینه‌ی «۱» یعنی paper را زیر «ج» یعنی جنس و به همین صورت دومین صفتِ گزینه‌ی «۱» یعنی red رو زیر «ر» یعنی رنگ می‌نویسیم و سومین صفتِ گزینه‌ی «۱» یعنی nice رو زیر «ک» یعنی کیفیت می‌نویسیم. و برعکس ترتیب به‌دست آمده، یعنی (nice red paper) صحیح است.

۵۰. (۱) جنی آب را بو کرد. آن بوی بدی می‌داد. بنابراین آن را نخورد.

قبل از جای خالی، فعل ربطی (smell) داریم بنابراین صفت (good یا bad) صحیح است. با توجه به معنی، bad صحیح است.

۵۱. (۱) ماشین‌های ژاپنی آبی جدید ارزان‌تر خواهد شد.

۵۲. (۲) من امروز خوشحالم چون برادرم دارد از ترکیه بر می‌گردد.

قبل از جای خالی، فعل (feel) داریم بنابراین صفت (happy) صحیح است.

۵۳. (۳) دانش‌آموزان موقعی که آن فیلم جالب را دیدند خیلی سرگرم شدند.

با توجه به این که صفت مفعولی (amused) برای توصیف انسان (the students) و صفت فاعلی (interesting) برای توصیف غیرانسان (movie) به کار می‌رود، گزینه‌ی ۳ صحیح است.

۵۴. This beautiful Persian carpet is very expensive.

این فرش ایرانی زیبا خیلی گران است.

۵۵. The boys were frightened because the film was frightening.

آن پسرها ترسیده بودند چون فیلم ترسناک بود.

۵۶. چرا آن دخترها ترسیده‌اند؟

They are frightened because the animals are frightening.

آن‌ها ترسیده‌اند چون حیوانات ترسناک هستند.

صفت مفعولی (frightened) برای توصیف انسان (the girls) و صفت فاعلی (frightening) برای توصیف غیرانسان (the animals) به کار می‌رود.

۵۷. مینا شوکه شد چون خبر تکان دهنده بود.

۵۸. Why was Mina shocked? چرا مینا شوکه شد؟

چرا آن زن شگفت‌زده است؟

۵۹. The woman is surprised because the spaceship is surprising.

آن زن شگفت‌زده است چون سفینه فضایی شگفت‌انگیز است.

چرا آن دختر گیج است؟

The girl (She) is confused because the puzzle is confusing.

آن دختر (او) گیج است چون معما گیج کننده است.

۶۰. (۲) آن رادیو قبل از این که شما به آن جا برسید تعمیر شده بود.

با توجه به این که فعل fix (تعمیر کردن) متعدی است و بعد از آن مفعول (the radio) نیامده است، جمله مجهول است. در واقع مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است، بنابراین گزینه‌های معلوم (گزینه‌های ۱ و ۴) حذف می‌شوند. با توجه به ساختار (گذشته‌ی ساده + before + ماضی بعید) فعل مجهول در زمان ماضی بعید صحیح است.

جمله معلوم این جمله به صورت زیر است:

He had fixed the radio before you arrived.

قبل از این که شما به آن جا برسید، او رادیو را تعمیر کرده بود.

۳۷. (۳) معلم آن‌ها را مجبور کرده بود تا بی‌سر و صدا بنشینند.

بعد از force، مصدر با to می‌آید.

۳۸. (۴) پدر علی به او گفت که وقت آزادش را بیهوده صرف نکند.

بعد از tell مصدر با to به‌کار می‌رود و برای منفی کردن مصدر با to نیز قبل از to مصدری، not می‌آوریم.

۳۹. (۲) خواهرم بیمار بود. او از من خواست که آن شب بیرون نروم.

قبل از جای خالی، فعل (ask) داریم بنابراین مصدر منفی (not to go) صحیح است. او مرد سخت کوشی است. او هرگز از تلاش کردن دست نمی‌کشد.

۴۰. (۲) stop به معنی (از ... دست کشیدن)، اسم مصدر (trying) به کار می‌رود.

۴۱. (۲) وقتی شستن ظرف‌ها را تمام کنم خرید خواهم کرد.

قبل از جای خالی، finish آمده است بنابراین اسم مصدر (washing) صحیح است.

۴۲. The teacher wanted us to do the exercise carefully.

معلم از ما خواست تا تمرین را با دقت انجام دهیم.

بین کلمات، to و فعلی که بعد از آن مصدر با to می‌آید (want) داریم، در ابتدا (شکل ساده‌ی فعل + to + مفعول + فعل) را می‌نویسیم.

۴۳. The mother permitted her child to turn on the TV.

مادر به فرزندش اجازه داد تلویزیون را روشن کند.

۴۴. مادرم به من گفت: «کیفت را روی میز بگذار.»

She told me to put my bag on the table.

مادرم به من گفت که کیفم را روی میز بگذارم.

در ابتدا علامت نقل قول (" ") را حذف می‌کنیم و فعل امر مثبت (put) را به «شکل ساده‌ی فعل + to» تبدیل می‌کنیم سپس صفت ملکی your را به my تغییر می‌دهیم.

۴۵. به جین گفتم: «نامه‌ی برادرت را نخوان.»

I asked Jane not to read her brother's letter.

از جین خواستم که نامه‌ی برادرم را نخواند.

در ابتدا علامت نقل قول (" ") و ویرگول (,) را حذف می‌کنیم سپس فعل امر منفی (Don't read) را به «شکل ساده‌ی فعل + not to» تبدیل می‌کنیم سپس صفت ملکی your را به her تغییر می‌دهیم.

۴۶. از او انتظار دارد که چه کار کند؟

He expects her to turn down the TV.

از او انتظار دارد که صدای تلویزیون را کم کند.

۴۷. مغازه‌دار به او توصیه می‌کند که چه کار کند؟

He is advising him to buy the coat.

او دارد به او توصیه می‌کند که آن کت را بخرد.

۴۸. (۳) چایی که مادرم درست کرده است طعم خوبی دارد. همه آن را دوست دارند. بعد از فعل ربطی (در این جا taste) صفت می‌آید. با توجه به معنی nice صحیح است.

۴۹. (۲) من می‌خواهم تعدادی گل‌های کاغذی قرمز قشنگ برای برادر کوچکم درست کنم.

جمله معلوم این جمله به صورت زیر است:

My mother **takes** my little brother to school every day.

مادرم هر روز برادر کوچکم را به مدرسه می‌برد.

۶۵. (۴) «آیا می‌توانید به آپارتمان جدیدتان اسباب‌کشی کنید؟» «نه، هنوز نقاشی نشده است.»

These large apartments **were built** last year. ۶۶.

این آپارتمان‌های بزرگ پارسال ساخته شدند.

This film **has been shown** several times. ۶۷.

این فیلم چندین بار نمایش داده شده است.

۶۸. این مسئله قبلاً در کلاس حل شده بود.

Where **had** this problem **been solved** before?

کجا این مسئله قبلاً حل شده بود؟

۶۹. آن ماشین دیروز در حیاط شسته شد.

When **was** the car **washed** in the yard?

چه موقع ماشین در حیاط شسته شد؟

۷۰. آیا تخته سیاه تمیز شده است؟

No, the blackboard (it) **hasn't been cleaned**.

نه، تخته سیاه (آن) تمیز نشده است.

۷۱. آیا دست‌های بتی باید شسته شوند؟

Yes, they (Betty's hands) **should be washed**.

بله، آن‌ها (دست‌های بتی) باید شسته شوند.

۶۱. (۳) آن کتاب هفته آینده در این شهر چاپ خواهد شد.

با توجه به این که فعل publish (چاپ کردن، منتشر کردن) متعدی است و بعد از آن مفعول نیامده، جمله مجهول است. قید زمان (next week) با آینده به کار می‌رود بنابراین فعل مجهول در زمان آینده ساده صحیح است.

۶۲. (۴) از سال ۱۳۸۱ در این منطقه فرودگاه جدید ساخته شده است.

با توجه به این که فعل build (ساختن) متعدی است و بعد از آن مفعول (a new airport) نیامده است، جمله مجهول است در واقع مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است، بنابراین گزینه‌های معلوم (گزینه‌ی ۱ و ۳) حذف می‌شوند. عبارت (مبدأ زمان + since) با ماضی نقلی به کار می‌رود، بنابراین فعل مجهول در زمان ماضی نقلی صحیح است.

جمله معلوم این جمله به صورت زیر است:

They **have built** a new airport in this area since 1381.

آن‌ها از سال ۱۳۸۱ در این منطقه یک فرودگاه جدید ساخته‌اند.

۶۳. (۳) چند سال پیش یک آزمایشگاه شیمی در مدرسه‌ی ما ساخته شد.

با توجه به این که فعل build (ساختن) متعدی است و بعد از آن مفعول نیامده، جمله مجهول است. قید زمان (a few years ago) با گذشته‌ی ساده به کار می‌رود، بنابراین فعل مجهول در زمان گذشته‌ی ساده صحیح است.

جمله معلوم این جمله به صورت زیر است:

They **built** a chemistry lab in our school a few years ago.

آن‌ها چند سال پیش یک آزمایشگاه شیمی در مدرسه‌ی ما ساختند.

۶۴. (۳) برادر کوچکم هر روز توسط مادرم به مدرسه برده می‌شود.

با توجه به این که فعل take (بردن) متعدی است و بعد از آن مفعول نیامده، جمله مجهول است. قید زمان (every day) با حال ساده به کار می‌رود، بنابراین فعل مجهول در زمان حال ساده صحیح است.

درس سوم

Talking about free time

گفتگو درباره‌ی وقت آزاد

A: What do English people do in their free time?

انگلیسی‌ها در وقت آزارشان چه می‌کنند.

B: It depends. They do many different things.

بستگی دارد، آن‌ها کارهای مختلف زیادی انجام می‌دهند.

A: Well, what do you do?

فقط، شما چه می‌کنید؟

B: I read, I watch television and I play football.

من مطالعه می‌کنم، تلویزیون تماشا می‌کنم و فوتبال بازی می‌کنم.

What do the Iranians do in their free time?

ایرانی‌ها در اوقات فراغتشان چه می‌کنند؟

What do you do at weekends?

شما در تعطیلات آخر هفته چه می‌کنید؟

Do you usually stay at home and relax?

آیا شما معمولاً در خانه می‌مانید و استراحت می‌کنید؟

Do you have any hobbies?

آیا هیچ سرگرمی دارید؟

What do you do in the evenings?

شما عصرها چه می‌کنید؟

درس چهارم

Talking about Transportation

گفتگو درباره‌ی حمل و نقل

A: How do you usually travel?

شما معمولاً بطور مسافرت می‌کنید؟

get to work?

به سر کار می‌روید؟

go to school?

به مدرسه می‌روید؟

B: I usually go by bus.

با اتوبوس می‌روم.

take a bus.

با اتوبوس می‌روم.

drive.

من معمولاً با ماشین می‌روم.

walk.

پیاده می‌روم.

cycle.

با دوچرخه می‌روم.

A: When do you usually get to work?

شما معمولاً چه موقع به سر کار می‌رسید؟

B: At eight thirty. / By eight thirty.

در ساعت هشت و نیم. / تا ساعت هشت و نیم.

A: How long does it take you to get to school?

چه مدت طول می‌کشد تا به مدرسه برسید؟

B: About an hour.

مردود یک ساعت.

درس پنجم

Talking about one's job

گفتگو درباره‌ی شغل کسی

A: Who do you work for?

شما برای چه شرکتی کار می‌کنید؟

B: I work for a bank.

من برای بانک کار می‌کنم.

A: What company are you with?

شما در چه شرکتی هستید؟

B: I'm with Iran Air.

من در ایران ایر هستم.

A: What does your job involve?

شغل شما شامل چه چیز می‌شود؟

What do you do?

شما چه کار می‌کنید؟ / شغل شما چیست؟

I keep accounts.

من مسابرداری می‌کنم.

B: I manage an office.

من یک دفتر را اداره می‌کنم.

I have to prepare reports.

من باید گزارش آماده کنم.

بخش چهارم

نقش‌های زبانی

۴ نمره

بخش چهارم سؤال‌های امتحان نهایی مربوط به مکالمه است. شامل ۸ سؤال است. در این قسمت باید از بین ۹ پاسخ، ۸ پاسخ را انتخاب کنید. سؤال‌های مکالمه از مکالمه‌ی کتاب درسی یا با کمی تغییر از آن طرح می‌شود.

درس اول

Conversation

مکالمه

A: How often do you go to the dentist?

چند وقت به چند وقت نزد دندان‌پزشک می‌روی؟

B: Oh, I go about once a year.

اوه، تقریباً سالی یک بار می‌روم.

A: Really? I like to go every six months.

واقعاً؟ من دوست دارم هر شش ماه بروم.

B: That's probably a good idea.

شاید فکر خوبی باشد.

A: How often does Hamid have biology?

عمید چند وقت به چند وقت زیست‌شناسی دارد؟

B: Oh, three times a week. Every Saturday, Monday and Thursday.

اوه، سه بار در هفته، هر شنبه، دوشنبه و پنجشنبه.

A: And what about math?

و ریاضی چگونه؟

B: Twice a week.

دو بار در هفته.

نکته: سؤال‌هایی که با How often شروع می‌شود، پاسخ آن **three times a week** یا **once a week - twice a week** یا **every week** است.

درس دوم

Flight times

زمان (ساعت) پرواز

Passenger: What time is my flight, please?

مسافر: لطفاً (بگویید) پرواز من چه ساعتی است؟

Clerk: What's your flight number?

کارمند: شماره پروازتان چیست؟

Passenger: 267.

مسافر: ۲۶۷.

Clerk: That leaves at 7:30. That's in one hour.

You've got plenty of time.

کارمند: ساعت ۷:۳۰ (هفت و نیم) ترک می‌کند. یک ساعت دیگر، شما وقت زیادی دارید.

Passenger: Thanks.

مسافر: متشکرم.

Telling the time

گفتن وقت

A: What time / When is the film on?

فیلم چه ساعتی / چه موقع شروع می‌شود؟

B: There's a show at 7 and one at 9.

یک نمایش ساعت ۷ و یکی ساعت ۹ است.

A: What hours / When is the bank open?

چه ساعتی / چه وقت بانک باز است؟

B: It opens at 8:30 and it closes at four in the afternoon.

ساعت ۸:۳۰ باز می‌شود و ساعت ۴ بعدازظهر تعطیل می‌شود.

B: Ah, yes. Turn right, then take the second turning on your left.

آه، بله. به سمت راست بپیچید، سپس پیچ دوم سمت چپ فود بروید.

It's on the right-hand side.

آن سمت راست است.

نکته: دو نوع سؤال داریم:

Yes / No question - ۱: سؤالی که با فعل کمکی am ، is ، are ، was ، were

یا No است. بنابراین برای سؤالی که با فعل کمکی شروع می‌شود و پاسخ آن

کنید که با Yes یا No شروع شده باشد.

Wh- question - ۲: سؤالی که با کلمه‌ی پرسشی What ، Where ، When ، How

و غیره شروع می‌شود و پاسخ آن Yes یا No نیست.

درس ششم

Asking for direction

پرسیدن مسیر (آدرس)

A: Excuse me, how do I get to the station, please?

ببخشید (ممکن است بگویید) چگونه به ترمینال بروم؟

B: The bus station?

ترمینال اتوبوس؟

A: Yes, that's right.

بله درست است.

B: Go straight on. It's three blocks down this street, on your left.

مستقیم بروید. سه بلوک پایین این خیابان. سمت چپ شما است.

A: Thanks a lot.

خیلی متشکرم.

A: Excuse me. Can you help me? I want to get to the post office.

ببخشید، می‌توانید به من کمک کنید؟ می‌فروهم به اداره‌ی پست بروم.

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری

پاسخ صحیح سؤالات قسمت A را از بین پاسخ‌های قسمت B انتخاب کنید (یک پاسخ اضافی است).

شهریور ۹۴

مکالمه ۱

A	B
1. How do you usually travel?	a. 514.
2. What is your flight number?	b. About five minutes.
3. What does your job involve?	c. She types the letters.
4. What do you do at weekends?	d. Turn left. Next to the park.
5. How often do you travel to Rasht?	e. At 9 a.m.
6. What time can we go to the museum?	f. I usually watch TV.
7. How can I get to the nearest post office?	g. I drive.
8. How long does it take you to read your messages?	h. I keep accounts.
	i. Twice a month.

دی ۹۳

مکالمه ۲

A	B
9. How can I get to Erfan Hospital?	a. She works in a drugstore.
10. Where does your neighbor work?	b. Half an hour.
11. What do you do in your free time?	c. Almost every night.
12. What time is your flight to Shiraz?	d. Take a taxi. It's far.
13. What's your flight number, please?	e. No, he plays the piano.
14. Does Jack do any puzzles at weekends?	f. I go skiing.
15. How long does it take you to fill this form?	g. 213.
16. How often does he say his prayers in a mosque?	h. Yes, he swims well.
	i. It's 9:00 p.m.

A	B
17. What do you do?	a. Let me see your ticket.
18. What time is my flight, please?	b. Go straight on.
19. How often do you eat a sandwich?	c. Yes, he rests after work.
20. Does your uncle take a bus to work?	d. About half an hour.
21. How was the dinner you ate last night?	e. Twice a week.
22. What hours are the students at school?	f. I manage an office.
23. How long does it takes you to make a dress?	g. It tasted terrible.
24. How do I get to the nearest mosque, please?	h. From eight to two.
	i. No, he walks.

پاسخ‌های تشریحی

۱. شما معمولاً چطور مسافرت می‌کنید؟	(g) من با ماشین می‌روم.
۲. شماره‌ی پروازتان چیست؟	(a) ۵۱۴.
۳. شغل شما شامل چه چیزی می‌شود؟	(h) من حسابداری می‌کنم.
۴. شما در تعطیلات آخر هفته چه کار می‌کنید؟	(f) من معمولاً تلویزیون تماشا می‌کنم.
۵. چند وقت به چند وقت به رشت مسافرت می‌کنید؟	(i) دو بار در ماه.
۶. چه ساعتی می‌توانیم به موزه برویم؟	(e) ساعت ۹.
۷. چطور می‌توانم به نزدیک‌ترین اداره‌ی پست بروم؟	(d) به سمت چپ بپیچید. جنب پارک.
۸. چه مدت طول می‌کشد تا پیامک‌هایتان را بخوانید؟	(b) حدود پنج دقیقه.
۹. چطور می‌توانم به بیمارستان عرفان بروم؟	(d) با تاکسی بروید. دور است.
۱۰. همسایه‌ی شما کجا کار می‌کند؟	(a) در یک داروخانه کار می‌کند.
۱۱. در وقت آزادتان چه می‌کنید؟	(f) من اسکی بازی می‌کنم.
۱۲. پرواز شما به شیراز چه ساعتی است؟	(i) ساعت ۹ بعدازظهر.
۱۳. شماره‌ی پروازتان چند است؟	(g) ۲۱۳.
۱۴. آیا جک در تعطیلات آخر هفته هیچ معمایی حل می‌کند؟	(e) نه، او پیانو می‌زند.
۱۵. چه مدت طول می‌کشد تا این فرم را پر کنید؟	(b) نیم ساعت.
۱۶. او چند وقت به چند وقت در مسجد نمازهایش را می‌خواند؟	(c) تقریباً هرشب.
۱۷. شغل شما چیست؟	(f) من یک دفتر را اداره می‌کنم.
۱۸. لطفاً (بگویید) پرواز من چه ساعتی است؟	(a) بگذار بلیطتان را ببینم.
۱۹. چند وقت به چند وقت ساندویچ می‌خورید؟	(e) دو بار در هفته.
۲۰. آیا عمویت با اتوبوس به سر کار می‌رود؟	(i) نه، او پیاده می‌رود.
۲۱. شامی که دیشب خوردی چطور بود؟	(g) طعم خیلی بدی داشت.
۲۲. چه ساعت‌هایی دانش‌آموزان در مدرسه هستند؟	(h) از ساعت هشت تا دو.
۲۳. چه مدت طول می‌کشد تا یک لباس درست کنید؟	(d) حدود نیم ساعت.
۲۴. لطفاً (بگویید) چطور به نزدیک‌ترین مسجد بروم؟	(b) مستقیم بروید.

مثال‌های امتحان نهایی:

stops - picks - marks - pots - notes - cassettes - groups - makes
beliefs - cups - maths

۲ اگر آخر کلمه‌ای صدای (س - ش - ز - ژ - ج - چ) بدهد، s یا es پایانی با صدای /Iz/ (ز) تلفظ می‌شود.

مثال‌های کتاب درسی: teaches - dishes - finishes - places - uses

توجه: صدای پایانی چهار کلمه‌ی آخر در مثال‌های زیر (س - ج - ج و ج) است.

مثال‌های امتحان نهایی:

exercises - choices - passes - washes - benches - chooses - boxes
garages - changes - bridges

۳ در بقیه‌ی موارد، s یا es پایانی با صدای /Z/ (ز) تلفظ می‌شود.

مثال‌های کتاب درسی: pens - schools - teachers - foes

توجه: صدای پایانی چهار کلمه‌ی آخر در مثال‌های زیر (گ) است.

مثال‌های امتحان نهایی:

jobs - leaves - husbands - news - countries - times - holidays
dogs - bags - legs - things

بخش پنجم

تلفظ

بخش پنجم سؤال‌های امتحان نهایی مربوط به تلفظ است. ۲ نمره

در قسمت اول، دو تست داریم و باید کلمه‌ای که از نظر تلفظ "s" یا "es" با سه کلمه‌ی دیگر متفاوت است را انتخاب کنید. (۱ نمره)

در قسمت دوم، دو تست داریم و باید کلمه‌ای که از نظر فشار صوت (stress) با سه کلمه‌ی دیگر متفاوت است را انتخاب کنید. (۱ نمره)
"s" یا "es" پایان کلمات سه تلفظ متفاوت دارد:

۱ اگر آخر کلمه‌ای صدای (پ - ف - ک - ت - ث) بدهد، s یا es پایانی با صدای /S/ (س) تلفظ می‌شود.

جهت تسهیل در به خاطر سپردن، به صورت (پفک تث) حفظ کنید.

مثال‌های کتاب درسی:

roofs - maps - keeps - works - books - mats - tapes - writes
coughs - cakes

توجه: صدای پایانی چهار کلمه‌ی آخر در مثال‌های بالا به ترتیب (پ - ت - ف و ک) است و در کلمه‌ی آخر در مثال زیر (ث) است.

جدول کلی تکیه (stress):

تکیه روی هجای اول	تکیه روی هجای دوم	تکیه روی هجای سوم
never - mother - father	ago - about - above - accept - repeat	understand
after - city - happy	enough - enjoy - hotel - hello - allow	Lebanese
angry - people - little	forget - before - belief - believe	Japanese
added - wanted - classes	Japan - Chinese - decide - result	seventeen
program - garden - Denmark	fourteen - sixteen - eighteen	
exercise - envelope - telephone	myself - already - another - together	
vegetable - realize - operate	however - important - tomorrow - policeman	
comfortable - dictionary - holiday	eleven - computer- department - mechanic	
	remember	

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری

سؤال ۱ کلمات کلمه از نظر تلفظ s یا es پایان کلمه با سه کلمه‌ی دیگر متفاوت است؟

- | | | | | |
|------------------|-------------|-------------|------------|--------------|
| 1. 1) boxes | 2) places | 3) foes | 4) dishes | ادی ۹۴ / |
| 2. 1) books | 2) cats | 3) cups | 4) snows | ادی ۹۴ / |
| 3. 1) lies | 2) cars | 3) coughs | 4) falls | اشهریور ۹۴ / |
| 4. 1) foes | 2) boxes | 3) benches | 4) places | اشهریور ۹۴ / |
| 5. 1) goes | 2) lakes | 3) roles | 4) foes | ادی ۹۳ / |
| 6. 1) influences | 2) promises | 3) improves | 4) teaches | ادی ۹۳ / |
| 7. 1) maps | 2) pens | 3) roofs | 4) lets | اشهریور ۹۳ / |
| 8. 1) dishes | 2) teaches | 3) foes | 4) places | اشهریور ۹۳ / |
| 9. 1) coughs | 2) nights | 3) flowers | 4) lamps | ادی ۹۲ / |
| 10. 1) changes | 2) fixes | 3) brushes | 4) goes | ادی ۹۲ / |
| 11. 1) bags | 2) words | 3) books | 4) chairs | اشهریور ۹۲ / |

12. 1) places	2) dishes	3) watches	4) workers	شهریور ۹۲/
13. 1) uses	2) finishes	3) writes	4) teaches	آورداد ۸۹/
14. 1) coughs	2) pens	3) maps	4) roofs	آورداد ۸۹/
15. 1) rooms	2) writes	3) walls	4) jobs	آورداد ۸۸/

سؤال ۲ کدام کلمه از نظر فشار صوت (stress) با سه کلمه‌ی دیگر متفاوت است؟

16. 1) father	2) ago	3) garden	4) never	ادی ۹۴/
17. 1) policeman	2) together	3) holiday	4) tomorrow	ادی ۹۴/
18. 1) forget	2) added	3) ago	4) result	شهریور ۹۴/
19. 1) telephone	2) envelope	3) comfortable	4) tomorrow	شهریور ۹۴/
20. 1) repeat	2) fortune	3) people	4) before	ادی ۹۳/
21. 1) department	2) decided	3) remembered	4) seventeen	ادی ۹۳/
22. 1) Chinese	2) accept	3) fifteen	4) wanted	شهریور ۹۳/
23. 1) believe	2) never	3) city	4) little	شهریور ۹۳/
24. 1) allow	2) believe	3) harder	4) repeat	ادی ۹۲/
25. 1) envelope	2) department	3) important	4) tomorrow	ادی ۹۲/
26. 1) father	2) before	3) happy	4) after	شهریور ۹۲/
27. 1) holiday	2) telephone	3) understand	4) comfortable	شهریور ۹۲/
28. 1) happy	2) angry	3) above	4) mother	آورداد ۸۹/
29. 1) Japan	2) before	3) fourteen	4) holiday	آورداد ۸۹/
30. 1) program	2) angry	3) result	4) added	آورداد ۸۸/

پاسخ‌های تشریحی

۱. s در foes صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۲. s در snows صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /s/ می‌دهد.
۳. s در coughs صدای /s/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۴. s در foes صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۵. s در lakes صدای /s/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۶. s در improves صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۷. s در pens صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /s/ می‌دهد.
۸. s در foes صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۹. s در flowers صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /s/ می‌دهد.
۱۰. s در goes صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۱۱. s در books صدای /s/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۱۲. s در workers صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۱۳. s در writes صدای /s/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۱۴. s در pens صدای /z/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /s/ می‌دهد.
۱۵. s در writes صدای /s/ ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها صدای /z/ می‌دهد.
۱۶. در کلمه‌ی ago تکیه بر روی هجای دوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای اول است.
۱۷. در کلمه‌ی holiday تکیه بر روی هجای اول است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
۱۸. در کلمه‌ی added تکیه بر روی هجای اول است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
۱۹. در کلمه‌ی tomorrow تکیه بر روی هجای دوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای اول است.
۲۰. در کلمه‌ی people تکیه بر روی هجای اول است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
۲۱. در کلمه‌ی seventeen تکیه بر روی هجای سوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
۲۲. در کلمه‌ی wanted تکیه بر روی هجای اول است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
۲۳. در کلمه‌ی believe تکیه بر روی هجای دوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای اول است.
۲۴. در کلمه‌ی harder تکیه بر روی هجای اول است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
- چنانچه یک گزینه‌ی (در این جا **harder**) خارج از مثال کتاب درسی باشد با استفاده از روش حذف گزینه پاسخ دهید. در این سؤال در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ تکیه بر روی هجای دوم است بنابراین گزینه‌ی (۳) تکیه بر روی هجای دوم نیست.
۲۵. در کلمه‌ی envelope تکیه بر روی هجای اول است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
۲۶. در کلمه‌ی before تکیه بر روی هجای دوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای اول است.
۲۷. در کلمه‌ی understand تکیه بر روی هجای سوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای اول است.
۲۸. در کلمه‌ی above تکیه بر روی هجای دوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای اول است.
۲۹. در کلمه‌ی holiday تکیه بر روی هجای اول است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای دوم است.
۳۰. در کلمه‌ی result تکیه بر روی هجای دوم است ولی در بقیه‌ی گزینه‌ها بر روی هجای اول است.

مرحله ۲: در این مرحله، متن را با دقت بخوانید و با ذهنیتی که از کل متن و موضوع اصلی دارید به سوالات پاسخ دهید. برای پاسخ دادن به برخی از سؤال‌های کلوز تست، خواندن جمله‌ای که جای خالی دارد کفایت می‌کند. اما برای پاسخ دادن به برخی از سؤال‌های کلوز تست، باید جمله‌های قبل و بعد آن را نیز خواند.

۳ یک درک مطلب بلند با ۵ تا ۶ سؤال (۴ نمره)

مرحله ۱: نگاهی اجمالی به متن و سؤال‌ها بیندازید.

در ابتدا نگاهی اجمالی و گذرا به متن بیندازید تا موضوع کلی متن را متوجه شوید. اگر بدانید متن درباره‌ی چه است مطمئناً متن را بهتر می‌فهمید برای این کار، نگاهی به جمله‌ی اول هر پاراگراف بیندازید تا بدانید موضوع کلی متن چیست. بعد نگاهی به سؤال‌ها بیندازید تا بدانید سؤال‌ها در مورد چه هستند و زیر کلمات کلیدی سؤال خط بکشید. لزومی ندارد سؤال‌ها را با تمام جزئیات به ذهن بسپارید. این مرحله فقط چند ثانیه طول می‌کشد. هدف از خواندن سؤال‌ها این است که در مرحله‌ی بعد (یعنی مرحله‌ی خواندن متن) بتوانیم متن را هدفمند بخوانیم.

مرحله ۲: خواندن متن

سریع و با دقت جملات متن را از نظر بگذرانید. در این مرحله می‌دانید که به چه سؤال‌هایی قرار است پاسخ بدهید بنابراین فقط جملاتی که کلمات کلیدی سؤال‌ها در آن‌ها می‌باشد را با دقت بخوانید و در صورت ممکن سعی کنید به سؤال مربوطه پاسخ دهید.

مرحله ۳: پاسخ به (سؤال‌ها)ی باقیمانده از مرحله‌ی قبل

بخش ششم

درک مطلب

بخش ششم سؤال‌های امتحان نهایی مربوط به درک مطلب است. **۱۱ نمره**

۱ چهار درک مطلب کوتاه (۴ نمره)

یک یا چند جمله از متن کتاب درسی انتخاب می‌شود و با توجه به آن‌ها، باید یکی از گزینه‌ها را انتخاب کنید.

۲ یک متن دارای ۶ جای خالی (۳ نمره)

متن دارای جای خالی (کلوز تست) ۶ جای خالی دارد. سؤال‌های کلوز تست، از لغات کتاب درسی است. چنانچه خارج از کتاب باشد، می‌توان با استفاده از روش حذف گزینه پاسخ داد. به این صورت که تک‌تک گزینه‌ها را در جای خالی گذاشته و گزینه‌های غلط را حذف می‌کنیم تا به گزینه‌ی باقیمانده که صحیح است، برسیم. برای پاسخ دادن به کلوز تست از روش زیر استفاده کنید:

مرحله ۱: در ابتدا، متن را بدون پر کردن جای خالی، سریع بخوانید تا موضوع اصلی متن را بفهمید. در این مرحله، به سؤال‌ها پاسخ ندهید بنابراین نباید به گزینه‌ها نگاه کنید بلکه هدف از این مرحله، پیدا کردن موضوع اصلی متن است. موضوع اصلی متن غالباً در جمله اول بیان می‌شود لذا جمله‌ی اول را با دقت بخوانید. این مرحله نباید زیاد طول بکشد. سعی کنید زیاد تمرین کنید تا بتوانید در عرض چند ثانیه، متن را به صورت سریع و اجمالی بخوانید. وقتی بدانید متن در مورد چه چیزی است مطمئناً راحت‌تر و هدفمندتر می‌توانید به سوالات پاسخ دهید.

نمونه سؤال‌های امتحان هماهنگ کشوری

سؤال ۱ با توجه به مفهوم جملات، گزینه‌های صحیح را انتخاب کنید.

درس اول

/خرداد ۸۹

1. Your average was very low last year. Try to improve it. These sentences say

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| 1) your average is better this year | 2) you were a good student last year |
| 3) you didn't study hard before | 4) you were studying well last year |

2. Four of the forty-four families found that the family life simply couldn't continue without TV, and they left the experiment. This sentence means that

- 1) it was possible for all families to continue the experiment
- 2) all families left the experiment
- 3) not all families could live without TV
- 4) it was easy for all families to live without TV

/دی ۸۷، خرداد و شهریور ۸۳

3. In some countries, people can choose between as many as forty different TV channels, so in these countries, people

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| 1) can't watch different TV programs | 2) have a wide choice |
| 3) must watch all TV programs | 4) can watch just a few TV channels |

/شهریور ۸۷، خرداد ۸۴

درس دوم

4. It is not enough to choose the first system of education one finds, or to continue with one's old system of education without examining it to see whether it is suitable or not.

The above sentence means that we should

- | | |
|--|---|
| 1) choose any system of education | 2) continue our own system of education |
| 3) test many systems and choose the best one | 4) not examine other systems at all |

/خرداد ۹۳، دی ۸۹ و خرداد ۸۶

5. We find in such countries a far larger number of people with university degrees than there are jobs for them to fill. We understand from this sentence that in some countries,

/خرداد ۹۰، شهریور ۸۳/

- 1) there are enough jobs for people with university degrees
- 2) people can get university degrees and then find jobs immediately
- 3) the number of jobs is less than the people with university degrees
- 4) jobs are filled by people without (with) university degrees

6. In many countries, it has been fashionable to think that by free education for all, one can solve all the problems of society. But we can already see that it is not enough. These sentences say that

/خرداد ۸۱، ۸۵ و ۸۹/

- 1) free education is a good way to solve all the problems
- 2) the problems of many countries can never be solved
- 3) free education can do nothing in a perfect society
- 4) all the problems cannot be solved by free education

درس سوم

7. Most things are forgotten in the first hour or day after they are learned, but less is forgotten after a week or so. We understand from this sentence that

/شهریور ۸۹، خرداد ۸۱ و دی ۸۶/

- 1) the pace of forgetting doesn't change
- 2) after a week nothing is forgotten
- 3) forgetting is what we don't learn
- 4) forgetting is rapid at first, then slows down

8. If we do not use our arms or our legs for some time, they become weak. Memory works in the same way. We understand from these sentences that

/خرداد ۸۸/

- 1) our memory becomes weak if we use it
- 2) we shouldn't use our legs or our arms for some time
- 3) our memory becomes weak if we don't use it
- 4) our memory doesn't need practice

9. Memory is the brain's ability to

/خرداد ۸۳، ۸۵ و ۸۷/

- 1) use arms and legs properly
- 2) search large areas of physical illnesses
- 3) keep a record of past events
- 4) slow down the pace of learning

درس چهارم

10. A gold medal is awarded to the winner of every competition. Teams or individuals who place second receive silver medal, while a bronze medal goes to the third-place winner. According to the paragraph,

/خرداد ۹۲/

- 1) every individual receives a silver or bronze medal
- 2) only the first-place winners are awarded medals
- 3) all teams and individuals are awarded medals
- 4) the second and third-place winners are awarded silver and bronze medals

11. Takhti was an Iranian athlete. He is the father of wrestling. These sentences mean that

/شهریور ۹۰، خرداد ۸۷/

- 1) Takhti's father was an athlete (in wrestling)
- 2) Takhti was a great wrestler
- 3) Takhti was an athlete in wrestling like his father
- 4) Takhti helped a lot to improve wrestling in Iran

12. Snow-covered streets are very dangerous. So we expect drivers

/دی ۸۷ و ۹۲، شهریور ۸۴ و ۸۸، خرداد ۸۵/

- 1) not to drive on these roads at all
- 2) to drive very carefully on these roads
- 3) not to drive out of town during winter
- 4) to put on warm clothes in snow

درس پنجم

13. The world is changing all the time, so are words. We understand from this sentence that

/دی ۹۴، ۹۲، شهریور ۹۰/

- 1) the world changes the words
- 2) the words make changes in the world
- 3) the world changes, but the words don't
- 4) the world and the words always change

14. They break their fast when they eat their morning meal – breakfast.

According to the above sentence, which of the following is wrong?

/خرداد ۸۹، شهریور ۹۱/

- 1) Breakfast is a morning meal.
- 2) They eat nothing before breakfast.
- 3) They break their fast in the morning.
- 4) They fast from morning till evening.

15. After the invention of telephone, people could talk to each other even when they were far apart.

The above sentence means that people

خرداد ۸۳، دی ۸۴، شهریور ۸۸

- 1) could never talk to each other after the invention of telephone
- 2) couldn't talk to each other when they were together
- 3) could talk to each other when they were together or far apart
- 4) could talk to each other only when they were far apart

درس ششم

16. No one can deny the importance of computers. It means that

دی ۹۴، ۹۰، ۸۷، شهریور ۸۶

- 1) no one understands the importance of computers
- 2) nobody has found out the importance of computers
- 3) everybody agrees that computers are important
- 4) only a few people say that computers are important

17. They switched the conversation to a different topic when she came in. This sentence means that

- 1) she didn't want them to hear her conversation
- 2) they didn't like her to hear their conversation
- 3) they had different topics to talk about
- 4) she had different topics to switch to

خرداد ۸۶، دی ۸۸ و ۹۰

18. Computers help doctors to research disease, chemist to design drugs and disabled people to learn skills. They are able to perform so many different tasks. These sentences tell us that

خرداد ۸۳ و ۸۹

- 1) disabled people do research to design new drugs
- 2) doctors teach the disabled people different skills
- 3) computers are used in research projects
- 4) computers should only do certain tasks

سؤال ۲ متن‌های زیر را بخوانید و جاهای خالی جملات را با گزینه‌های داده شده کامل کنید.

Cloze Test 1

The first modern Olympic Games¹⁹ in Athens, Greece, in the year 1896.²⁰ from only 13 countries²¹ in the games that year. They²² in 43 different events in just 9 sports. In 2004 the summer Olympic Games took place²³ again in Athens. This time athletes from 202 countries competed in 300²⁴ in 28 sports. They were track and field, swimming, cycling, gymnastics and so on.^{۸۳} / دی

- | | | | |
|-----------------|--------------|-----------------|---------------|
| 19. 1) added | 2) improved | 3) took place | 4) completed |
| 20. 1) Athletes | 2) Teachers | 3) Doctors | 4) Chemists |
| 21. 1) took out | 2) took part | 3) looked after | 4) looked for |
| 22. 1) prepared | 2) agreed | 3) studied | 4) competed |
| 23. 1) twice | 2) once | 3) three times | 4) four times |
| 24. 1) events | 2) idols | 3) changes | 4) ideas |

Cloze Test 2

Today there is a television set in almost every house. Television has a big²⁵ on the lives of most of us. We²⁶ hours every week watching TV programs. Although television is a cheap way to get²⁷ and helps us to know the world better, it has some²⁸ negative effects on our behavior. For example it makes family members²⁹ among themselves and students may have³⁰ time to do their homework.^{۸۹} / دی

- | | | | |
|--------------------|--------------|---------------|----------------|
| 25. 1) channel | 2) influence | 3) success | 4) observation |
| 26. 1) continue | 2) finish | 3) avoid | 4) spend |
| 27. 1) information | 2) migration | 3) invitation | 4) emotion |
| 28. 1) comfortable | 2) single | 3) strong | 4) suitable |
| 29. 1) struggle | 2) relax | 3) hold | 4) employ |
| 30. 1) free | 2) low | 3) exact | 4) less |

Cloze Test 3

Hobby shows our interest. It is an activity that we do in our³¹ time. Sports and games are hobbies that³² us very much. They are important because they make our bodies strong and keep us³³ . They also make our eyes, minds and muscles³⁴ together properly. Writing is one of my hobbies. I feel³⁵ when I see my ideas are³⁶ in the form of a book. I like to read books written by the best writers in the world. /خرداد ۸۸

- | | | | |
|------------------|--------------|------------|--------------|
| 31. 1) free | 2) safe | 3) short | 4) easy |
| 32. 1) frighten | 2) shock | 3) amuse | 4) confuse |
| 33. 1) silly | 2) healthy | 3) ashamed | 4) serious |
| 34. 1) choose | 2) look | 3) watch | 4) work |
| 35. 1) worried | 2) happy | 3) afraid | 4) sorry |
| 36. 1) published | 2) performed | 3) invited | 4) practiced |

سؤال ۳ متن‌های زیر را بخوانید و به سؤالات به صورت خواسته شده پاسخ دهید.

Reading Comprehension 1

Many parents are becoming very worried about their children's interest in computer games. They believe that playing for too long can be harmful to their health. Parents are afraid that their children's behavior will be influenced and many often have discussion with them about their playing habits. Actually, there is no scientific reason that computer games are dangerous even if they are played for many hours a day. Another problem for parents is that, although computer set is quite cheap, the games themselves are often very expensive. /خرداد ۸۸

37. What are the parents worried about?
38. Are the computer games safe for children, according to scientific reason?
39. Why do parents discuss their children?
40. The word they in line 4 refers to
- | | | | |
|------------|-------------|----------|------------|
| 1) parents | 2) children | 3) games | 4) reasons |
|------------|-------------|----------|------------|
41. Computer games are usually cheap. a) True b) False
42. Children's health is influenced by the computer games. a) True b) False

Reading Comprehension 2

A businessman went to see his doctor because he couldn't sleep at night. The doctor examined him carefully and said to him, "Your trouble is that you need to learn to relax. Have you got any hobbies?"

The businessman thought for a few minutes and said, "No, I don't have any time for hobbies."

"Well", the doctor answered, "That is your trouble. You don't have time for anything except your work. You must find some hobbies, and you must learn to relax with them, or you'll be dead in less than five years. Why don't you learn to paint pictures?" "All right doctor, I'll try that.", the businessman said.

The next day he telephoned the doctor and said, "That was a very good idea of yours, doctor. Thank you very much. I've painted 15 pictures." "Oh, fifteen pictures!!!", the doctor said angrily. /خرداد ۸۹

43. Why did the businessman want to see the doctor?
44. Did the businessman have enough time for hobbies?
45. The businessman wanted to sleep less at night. a) True b) False
46. According to doctor's advice, painting pictures was a kind of hobby. a) True b) False
47. The businessman died after five years. a) True b) False
48. The next day, the doctor painted 15 pictures. a) True b) False

Reading Comprehension 3

The most famous international football event is the "World Cup" competition. It has been held every four years, each time in a different country. So far the games have been shown on TV and thousands of people have been able to watch them with interest. Football is one of the most interesting sports to watch, because the players have to be fast.

Many nations take part in the "World Cup" games and they send their players in order to win the cup. Germany, England and Italy have been among the many winners. However, among the winners Brazil has been the most fortunate. The Brazilian athletes won the final game three times, and in 1970 they got the special cup. /خرداد ۸۲

49. How often is the "World Cup" competition held?

50. Who gets the "World Cup" in the competition?

51. The "World Cup" has been held in different countries.

a) True b) False

52. Watching football has made the viewers happy, so it is one of the most interesting sports.

a) True b) False

۱۰. (۴) یک مدال طلا به برنده‌ی هر مسابقه اعطا می‌شود، تیم‌ها یا افرادی که مقام دوم را کسب می‌کنند یک مدال نقره دریافت می‌کنند، در حالی که یک مدال برنز به برنده‌ی مقام سوم داده می‌شود. طبق این پاراگراف، به برنده‌های مقام دوم و سوم مدال‌های نقره و برنز اعطا می‌شود.

۱۱. (۲) تختی یک ورزشکار ایرانی بود. او پدر کشتی است. این جملات بدان معنی است که تختی کشتی‌گیر بزرگی بود.

۱۲. (۲) خیابان‌های پوشیده از برف خیلی خطرناک هستند. بنابراین ما از راننده‌ها انتظار داریم که خیلی با دقت در این خیابان‌ها رانندگی کنند.

۱۳. (۴) جهان دائماً در حال تغییر است همچنین کلمات. ما از این جمله می‌فهمیم که جهان و کلمات همیشه تغییر می‌کنند.

۱۴. (۴) وقتی آن‌ها وعده‌ی غذای صبح‌شان - صبحانه - را می‌خورند، روزه‌شان را می‌شکنند.

طبق جمله‌ی بالا، کدام یک از موارد زیر نادرست است؟ آن‌ها از صبح تا شب روزه می‌گیرند.

۱۵. (۳) بعد از اختراع تلفن، مردم می‌توانستند حتی وقتی که خیلی دور از هم بودند با یکدیگر صحبت کنند.

جمله‌ی بالا بدان معنی است که مردم می‌توانستند وقتی که با هم یا خیلی دور از هم بودند با یکدیگر صحبت کنند.

۱۶. (۳) هیچ کس نمی‌تواند اهمیت رایانه‌ها را انکار کند. این بدان معنی است که همه قبول دارند که رایانه‌ها مهم هستند.

۱۷. (۲) وقتی او وارد شد، آن‌ها موضوع گفتگو را به موضوع دیگری تغییر دادند (موضوع گفتگو را عوض کردند). این جمله بدان معنی است که آن‌ها دوست نداشتند که او گفتگویشان را بشنود.

۱۸. (۳) رایانه‌ها به پزشکان کمک می‌کنند تا درباره‌ی بیماری‌ها تحقیق کنند، به شیمی‌دانان کمک می‌کنند تا داروها را طراحی کنند و به افراد معلول کمک می‌کنند تا مهارت‌هایی را فراگیرند. آن‌ها قادرند کارهای مختلف بسیار زیادی را انجام دهند. این جمله‌ها به ما می‌گویند که رایانه‌ها در پروژه‌های تحقیقاتی به کار می‌روند.

پاسخ‌های تشریحی

۱. (۳) سال گذشته معدل شما خیلی پایین بود. سعی کنید آن را بهتر کنید. این جمله‌ها بیان می‌دارند که شما قبلاً سخت درس نمی‌خواندید.

۲. (۳) چهار خانواده از چهل و چهار خانواده متوجه شدند که زندگی خانوادگی واقعاً بدون تلویزیون نمی‌تواند ادامه پیدا کند، آن‌ها آزمایش را رها کردند. این جمله بدان معنی است که همه‌ی خانواده‌ها نتوانستند بدون تلویزیون زندگی کنند.

۳. (۲) در بعضی کشورها، مردم می‌توانند از میان (تا) چهل کانال مختلف انتخاب کنند، بنابراین در این کشورها، مردم انتخاب گسترده‌ای دارند.

۴. (۳) تنها انتخاب اولین سیستم آموزشی که شخص می‌باید یا ادامه دادن به سیستم آموزشی قدیم خود بدون بررسی آن تا ببیند آیا واقعاً مناسب است یا خیر، کافی نمی‌باشد.

جمله‌ی بالا بدان معنی است که ما باید سیستم‌های زیادی را امتحان کرده و بهترین آن‌ها را انتخاب کنیم.

۵. (۳) در این کشورها، ما افرادی با مدارک دانشگاهی می‌یابیم که تعدادشان نسبت به مشاغل که برای آن‌ها وجود دارد تا به عهده بگیرند، خیلی بیشتر است. از این جمله می‌فهمیم که در برخی از کشورها، تعداد مشاغل کم‌تر از افراد با مدارک دانشگاهی است.

۶. (۴) در بسیاری از کشورها، این تصور رایج بوده است که با آموزش رایگان برای همه، انسان می‌تواند همه مشکلات جامعه را حل کند. اما همین حالا هم می‌توانیم ببینیم که آن کافی نیست. این جملات بیان می‌دارد که با آموزش رایگان نمی‌توان همه مشکلات را حل کرد.

۷. (۴) بیش‌تر چیزها در اولین ساعت یا روز بعد از یادگیری فراموش می‌شوند، اما بعد از یک هفته یا در این حدود کم‌تر فراموش می‌شوند. از این جمله می‌فهمیم که فراموشی در ابتدا سریع است، سپس سرعت آن کم می‌شود.

۸. (۳) اگر برای مدتی از دست‌ها یا پاهایمان استفاده نکنیم، ضعیف می‌شوند. حافظه به همین طریق کار می‌کند. از این جملات می‌فهمیم که اگر از حافظه‌مان استفاده نکنیم ضعیف می‌شود.

۹. (۳) حافظه توانایی مغز در ثبت وقایع گذشته است.

سرگرمی نشان‌دهنده‌ی علایق ما است. آن فعالیت‌هایی است که در وقت آزادمان انجام می‌دهیم. ورزش و بازی، سرگرمی‌هایی هستند که ما را خیلی زیاد سرگرم می‌کنند. آن‌ها مهم هستند چون که بدن ما را قوی می‌کنند و ما را سالم نگه می‌دارند. آن‌ها همچنین باعث می‌شوند چشم، ذهن و عضلات ما به طور درست با هم فعالیت کنند. نویسندگی یکی از سرگرمی‌های من است. موقعی که می‌بینم ایده‌هایی به شکل کتاب چاپ می‌شوند خوشحال می‌شوم. دوست دارم کتاب‌هایی را که توسط بهترین نویسندگان جهان نوشته شده‌اند، بخوانم.

۳۱. (۱) آزاد، رایگان (۲) سالم، ایمن (۳) کوتاه (۴) آسان
۳۲. (۱) ترساندن (۲) شوکه کردن (۳) سرگرم کردن (۴) گیج کردن
۳۳. (۱) احمقانه، احمق (۲) سالم، تندرست
- (۳) شرمنده (۴) جدی
۳۴. (۱) انتخاب کردن (۲) نگاه کردن
- (۳) تماشا کردن (۴) کار کردن، فعالیت کردن
۳۵. (۱) نگران (۲) خوشحال (۳) ترسیده (۴) متأسف
۳۶. (۱) منتشر کردن، چاپ کردن (۲) اجرا کردن
- (۳) دعوت کردن (۴) تمرین کردن

بسیاری از والدین دارند خیلی نگران علاقه‌ی فرزندان‌شان به بازی‌های رایانه‌ای می‌شوند. آن‌ها معتقدند که بازی کردن برای مدت خیلی طولانی می‌تواند برای سلامتی آن‌ها مضر باشد. والدین می‌ترسند که رفتار فرزندان‌شان تحت تأثیر قرار بگیرد و بیشتر اوقات با آن‌ها در مورد عادات بازی‌هایشان بحث کنند. در واقع هیچ دلیل علمی وجود ندارد که بازی‌های رایانه‌ای خطرناک هستند حتی اگر ساعات زیادی در روز بازی کنند. مشکل دیگر برای والدین این است که اگرچه رایانه نسبتاً ارزان است اما خود بازی‌ها اغلب خیلی گران هستند.

۳۷. والدین در مورد چه چیزی نگران هستند؟

They are worried about their children's interest in computer games.

آن‌ها نگران علاقه فرزندان‌شان به بازی‌های رایانه‌ای هستند.

۳۸. آیا طبق دلیل علمی بازی‌های رایانه‌ای برای بچه‌ها بی‌خطر است؟

Yes, there is no scientific reason that computer games are dangerous.

بله، هیچ دلیل علمی مبنی بر این که بازی‌های رایانه‌ای خطرناک هستند، وجود ندارد.

۳۹. چرا والدین با فرزندان‌شان بحث می‌کنند؟

They discuss their children because they are afraid that their children's behavior will be influenced.

آن‌ها با فرزندان‌شان بحث می‌کنند چون آن‌ها می‌ترسند که رفتار فرزندان‌شان تحت تأثیر قرار بگیرد.

۴۰. کلمه‌ی (آن‌ها) در سطر ۴ به (بازی‌ها) اشاره دارد.

۴۱. false بازی‌های رایانه‌ای معمولاً ارزان هستند.

۴۲. true سلامتی بچه‌ها تحت تأثیر بازی‌های رایانه‌ای قرار می‌گیرد.

اولین بازی‌های المپیک مدرن در آتن یونان در سال ۱۸۹۶ برگزار شد. در آن سال ورزشکاران فقط از ۱۳ کشور در بازی‌ها شرکت کردند. آن‌ها در ۴۳ مسابقه‌ی مختلف فقط در ۹ بازی رقابت می‌کردند. در سال ۲۰۰۴ بازی‌های المپیک تابستانی یک بار دیگر در آتن برگزار شد. این بار ورزشکاران از ۲۰۲ کشور در ۳۰۰ مسابقه در ۲۸ بازی رقابت کردند. آن‌ها دو و میدانی، شنا، دوچرخه‌سواری، ژیمناستیک و غیره بود.

۱۹. (۳) ۱) افزودن (۲) بهبود بخشیدن
- (۳) برگزار کردن، اتفاق افتادن (۴) کامل کردن
- (۱) ۱) ورزشکار (۲) معلم
- (۳) پزشک (۴) شیمیدان
- (۱) ۲) بیرون آوردن (۲) شرکت کردن
- (۳) مراقب کردن از (۴) دنبال ... گشتن
- (۱) ۴) آماده کردن (۲) موافق بودن
- (۳) مطالعه کردن (۴) رقابت کردن
- (۱) ۲) دو بار (۲) یک بار
- (۳) سه بار (۴) چهار بار

یک بار دیگر once again

- (۱) ۱) مسابقه، رقابت (۲) بُت
- (۳) تغییر (۴) ایده

امروزه، تقریباً در هر خانه‌ای یک دستگاه تلویزیون وجود دارد. تلویزیون تأثیر بزرگی در زندگی اکثر ما دارد. ما هر هفته ساعت‌ها به تماشای برنامه‌های تلویزیون صرف می‌کنیم. اگرچه تلویزیون شیوه‌ای ارزان برای کسب اطلاعات است و به ما کمک می‌کند جهان را بهتر بشناسیم، آن تأثیر منفی زیادی بر رفتارمان دارد. برای مثال باعث می‌شود اعضای خانواده بین خودشان نزاع داشته باشند و ممکن است دانش‌آموزان وقت کم‌تری برای انجام تکالیفشان داشته باشند.

- (۱) ۲) کانال (۲) تأثیر
- (۳) موفقیت (۴) مشاهده
- (۱) ۴) ادامه دادن (۲) تمام کردن
- (۳) از ... اجتناب کردن (۴) [وقت] صرف کردن، گذراندن
- (۱) ۱) اطلاعات (۲) مهاجرت
- (۳) دعوت (۴) احساس، احساسات
- (۱) ۳) راحت (۲) تک، [زن، مرد] مجرد
- (۳) قوی، شدید، زیاد (۴) مناسب
- (۱) ۱) نزاع کردن (۲) استراحت کردن
- (۳) نگاه داشتن (۴) استخدام کردن
- (۱) ۴) آزاد، رایگان (۲) پایین، کم
- (۳) دقیق (۴) کم‌تر

مشهورترین مسابقه‌ی بین‌المللی فوتبال مسابقه‌ی «جام جهانی» است. هر چهار سال یک بار، و هر بار در کشوری متفاوت برگزار شده است. تا به حال بازی‌ها در تلویزیون نشان داده شده‌اند و هزاران نفر توانسته‌اند آنها را با علاقه تماشا کنند. فوتبال یکی از جالب‌ترین بازی‌ها برای تماشا کردن است زیرا بازیکنان مجبورند سریع باشند.

کشورهای زیادی در بازی‌های «جام جهانی» شرکت می‌کنند و بازیکنان خود را برای بردن جام اعزام می‌کنند. آلمان، انگلستان و ایتالیا از جمله‌ی تعداد زیادی از برندگان بوده‌اند. ولی در میان برندگان، برزیل، خوش‌شانس‌ترین بوده است. ورزشکاران برزیلی، سه بار بازی نهایی را بردند و در سال ۱۹۷۰ جام ویژه را به‌دست آوردند.

۴۹. هر چند وقت یک بار مسابقه‌ی «جام جهانی» برگزار می‌شود؟

The "World Cup" (It) is held every four years.

مسابقه‌ی «جام جهانی» (آن) هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود.

۵۰. چه کسی در مسابقه، «جام جهانی» را به‌دست می‌آورد؟

The players who win the final game get the "World Cup".

بازیکنانی که مسابقه‌ی (بازی) نهایی را ببرند، «جام جهانی» را به دست می‌آورند.

۵۱. (True) «جام جهانی» در کشورهای مختلفی برگزار شده است.

۵۲. (True) تماشای فوتبال، بینندگان را خوشحال کرده است، بنابراین یکی از جالب‌ترین ورزش‌ها (بازی‌ها) است.

بازرگانی پیش دکترش رفت چون نمی‌توانست شب‌ها بخوابد. دکتر او را با دقت معاینه کرد و به او گفت: «مشکل شما این است که باید یاد بگیری به آرامش برسی. آیا هیچ سرگرمی داری؟»

بازرگان چند دقیقه فکر کرد و گفت: «نه، هیچ وقتی برای سرگرمی ندارم.» دکتر جواب داد: «خیلی خُب، این (مسئله) مشکل شماست. شما به جز کارتان برای هیچ چیز وقت ندارید. شما باید تعدادی سرگرمی پیدا کنید و باید یاد بگیری که با آن‌ها به آرامش برسی، وگرنه ظرف کم‌تر از پنج سال خواهی مرد. چرا نقاشی کشیدن را یاد نمی‌گیری؟» بازرگان گفت: «بسیار خب دکتر، آن را امتحان می‌کنم.» روز بعد به دکتر تلفن کرد و گفت: «دکتر، آن (نقاشی کشیدن) ایده‌ی خیلی خوب شما بود. بسیار زیاد متشکرم. من (تا به حال) ۱۵ نقاشی کشیده‌ام.» دکتر با عصبانیت گفت: «اوه، پانزده نقاشی!!!»

۴۳. چرا بازرگان می‌خواست نزد دکتر برود؟

He wanted to see the doctor because he couldn't sleep at night.

او می‌خواست نزد دکتر برود چون شب‌ها نمی‌توانست بخوابد.

۴۴. آیا بازرگان وقت کافی برای سرگرمی داشت؟

No, he didn't. He didn't have enough time for hobbies.

نه، او نداشت. او وقت کافی برای سرگرمی نداشت.

۴۵. (False) بازرگان می‌خواست شب‌ها کم‌تر بخوابد.

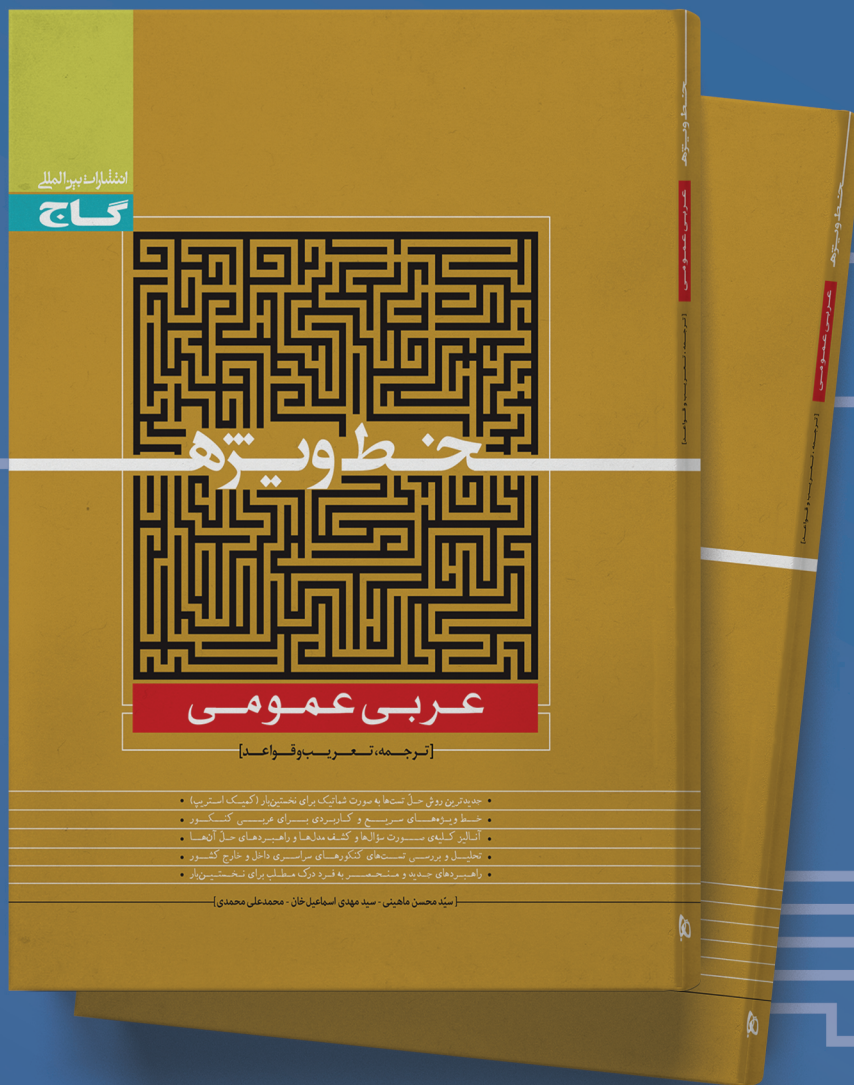
۴۶. (True) طبق توصیه‌ی دکتر، کشیدن نقاشی یک نوع سرگرمی بود.

۴۷. (False) بازرگان بعد از پنج سال مرد.

۴۸. (False) روز بعد، دکتر ۱۵ تصویر کشید.

گاج

از مجموعه کتاب‌های خط ویژه



عربی عمومی

۰۲۱ ۶۴۲۰

اطلاع‌رسانی
و فروش

 gaj_ir

 gaj.ir

 www.gaj.ir